

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران، خطاب

به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت سیزدهمین سالگرد پایه گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

صفحه ۲

راه توده

نشریه سازمان حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۴ بهمن ۱۳۶۲ مطابق
شماره ۳
سال دوم، شماره ۷۸
پهنا: ۱۰۰ میل

دست امپریالیسم آمریکا از آبهای خلیج فارس کوتاه!

اوضاع در منطقه خاورمیانه، در نتیجه سیاست تجاوز کارانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا همچنان حساس و بحرانی است. ایالات متحده، بر ادامه جنگ اعلام نشده علیه مردم لبنان به دستگیری اسرائیل پافشاری می کند. هفته گذشته شولتز، وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد، عقب نشینی آمریکا از لبنان ما به تضعیف حاکمیت دوستان آمریکا در منطقه خواهد شد و به منافع آمریکا در خاور میانه و جهان لطمه خواهد زد. (فرانکفورتر آلگماینه - ۲۸ ژانویه ۸۴)

ایالات متحده تلاشهای خویش را در راه تقویت نظامی ارتجاع منطقه شدت بخشیده است. محافظ دولتی آمریکا اعلام کرد، هاندک رئیس جمهور آمریکا قصد دارد برای ایجاد یک نیروی کماندوی اردنی به منظور دخالت سریع در بحران های احتمالی حوزه خلیج فارس بودجهای به مبلغ ۲۲۰ میلیون دلار تأمین کند (راد یواسا فیسل ۲۷ ژانویه ۸۴).

ایالات متحده معموله ای از موشک های ضد هوایی به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار به اردن ارسال خواهد کرد و وام های داده شده به اردن را نیز کمک بلاعوض تلقی خواهد کرد. از سوی دیگر دولت آمریکا قصد خود را مبنی بر فروش تعدادی موشک هوا به زمین به عربستان سعودی اعلام کرده است. این خبر در شرایطی اعلام می شود که مانور نظامی مشترک بقیه در صفحه ۱۴

۱۴ بهمن روز شهیدان حزب و نهضت: ارانی قنهارفت و میلیونها بار گشت!

بیدادگاههای ج.ا.و، بر اساس «مدارکی که قابل مطرح کردن نیست»، حکم صادر می کنند!

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور توطئه سرکوب سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را افشاء کنیم!

مردم مترقی جهان از ادامه قانون شکنی ها و تضییقات علیه حزب توده ایران خشمگین اند!

اعتراض و خشم احزاب، سازمانها و جمعیت های مترقی و دمکراتیک جهان از ادامه اقدامات تضییقی، ناقص قانون و حقوق انسانی بین المللی علیه حزب توده ایران و تودهای های دریندد شدت گرفته است. این نیروهای آزادی خواه از بقیه در صفحه ۳

انتخابات و زحمتکشان

با نزدیک شدن انتخابات دوره دوم مجلس شورا، جنجال تبلیغاتی رهبران ج.ا.و در باره انتخابات بیش از پیش اوج گرفته است. رهبران جناح های مختلف حاکمیت، تلاش می کنند به مردم ایران بقبولانند که انتخابات مجلس آینده، در تعیین آینده انقلاب، سرنوشته ساز خواهد بود. این ادعا خود نوعی سرپوش گذاشتن بر واقعیت است.

واقعیت این است که در نظام حکومتی ج.ا.و مجلس نمایندگان مردم، دیگر نقش تعیین کننده و رهبری کننده ندارد. از زمان چرخش به راست بهمن ۶۱، هنگامی که نمایندگان نافرمان مردم که خود سرانه تالیحه اصلاحات ارضی و ملی کردن تجارت خارجی را تصویب کرده بودند، باعتبار و اربعاب آیت الله خمینی، ملزم به تبعیت از نمایندگان انتصابی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، به شورای نگهبان شدند، مجلس منتخوب مردم رسماً و عملاً به صورت نهاد قانونگزاری "مشروطه"، در چهار چوب حفظ منافع غارتگران مردم در آمده است.

اما نمایندگان سرمایه داران و زمین داران بزرگ، برای شتاب بخشیدن به پیشروی خویش در راه نوسازی نظام سرمایه داری وابسته، در این زمینه نیز به آنچه کسب کرده اند قانع نیستند. بقیه در صفحه ۱۵

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران، خطاب به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت سیزدهمین سالگرد پایه گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای عزیز!

سیزدهمین سالگرد پایه گذاری سازمان فدائیان خلق ایران را از صمیم قلب به شما تسلیت می گوئیم. سازمان قهرمان شما امسال سالگرد تولد شکوهمندش را در شرایطی برگزار می کند که امپریالیسم و ارتجاع نابودی و ویرانی هر آنچه را که مردمی و مترقی است و شایسته تأمین سلطه غارتگرانه و استقلال شکنانه خود در میهن ما قرار داده اند.

رفقای عزیز!

از آن روز که آرزوهای پاک و انسانی پیکار به خاطر استقلال، آزادی و رفع ظلم و ستم و بی عدالتی اجتماعی شما را به جنگل های انبوه شمال میهن ما کشانید تا آنجا که خود به قسمتی از دریای خروشان جنبش کمونیستی و کارگری میهن ما تبدیل شدید، راهی دشوار، اما پسر افتخار را طی کردید.

رزم و پیکارتان، رشد و گسترشتان، وفاداری عمیقتان به آرمانهای والای انسانی و به اهداف بزرگ ترقی خواهانه و مردمی جای بزرگی در صفوف پیشرو توده های زحمتکش و مترقی میهن ما و در انظار نیروهای مترقی و دمکرات جهان به شما تخصیص داده است. آشتی ناپذیری، اصولیست و پیگیری شما در پیکار به خاطر دست یابی به اهداف سیاسی و اجتماعی، به نفع استقلال میهن و نجات مردم زحمتکش، خواب را برید شمنان شما که دشمنان مشترک ما و همه مردم زحمتکش و میهن دوست ما هستند، حرام کرده است. امروز ارتجاع ایران با همکاری و راهنمایی

امپریالیسم و ارتجاع جهانی غدارانه ترین شیوه های پلیسی را برای قلع و قمع سازمانهای ما و سایر سازمانهای مردمی و مترقی و دمکراتیک به کار می برند. امپریالیسم و ارتجاع عملاً دست اندر دست، در جبهه واحدی، هر روز به سنگرهای دیگر زندگان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی میهن ما می تازند. این هجوم و دامنشانه، غیر قانونی و انقلاب بر بادده روز به روز گسترش و عمق بیشتری می یابد. ارتجاع و عوامل امپریالیسم که میزان قدرت و عظمت اراده خلقهای پسا خاسته و صمم میهن ما را از نزدیک دیدند و لمس کردند، اینک با تمام نیروی خود کمر په نابودی همه ستون ها و ارکان جنبش مردمی و انقلاب شکوهمند میهن ما بستند. آنها تلاش دارند که ناتوانی خود را در لحظات اوج خیزش امواج انقلاب جبران کنند، تلاش دارند کسه آن آتش سوزند های را که خرمن سرسلسله ظلم و خیانت را سوزاند و می رفت که دیگر حلقه های این زنجیر خیانت و ظلم را در کشور نابود کند، خاموش سازند.

با حربه دروغ، ریا، عوام فریبی و شکنجه به مردمی ترین و مبارزترین و پیشروترین نیروهای انقلابی میهن ما می تازند تا آنان را بدنسام، منزوی، ضعیف و نابود سازند. یورش سبعمانه امپریالیسم و ارتجاع دقیقاً حساب شده و متناسب با اهدافی است، که برای برگرداندن همیشه آنها به آسیاب دوران سلطه، بی چون چرای زر و زور و وابستگی تام و تمام به امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا لازم می دانند.

این مبارزه درخشان سازمان های ما طی سالهای طولانی پیکار به خاطر استقلال و تمامیت ارضی و آزادی و تأمین حقوق عادلانه اجتماعی و سیاسی برای زحمتکشان میهن ماست که آماج حملات خشمگین و سبعمانه امپریالیسم و ارتجاع قرار گرفته است.

همبستگی عظیم و نیرومند جنبش کمونیستی و کارگری و پیشاپیش آن حزب پرافتخار لنین و سایر نیروهای مترقی و دمکرات و انسانهای شریف در سرتاسر جهان داغ ننگ و رسوائی بر پیشانی پردازندگان ابطال سیاست ساخته آن فرو کویند.

مردم ایران نه در دوران قلدری شاه دست نشانده امپریالیسم آمریکا و نه در دوران عوام فریبان مدعی استقرار "عدل آسمانی" در تشخیص خود نسبت به سازمانهای ما دچار سردرگمی نشده و نخواهند شد. پیگرد ها، بازداشتها، شکنجهها، شوهای تلویزیونی، زندان های طولانی و اعدامها هیچ یک قادر نیست که بر حقانیت سازمانهای پرافتخار ما سایه بیفتند. فرزندان حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هم چنان با سربلندی و افتخار، با پایمردی و استواری، صمم به دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما هستند.

رفقای عزیز!

هیچ نیرویی قادر نیست به اتحاد خلل ناپذیر ما خدشهای وارد آورد و اطمینان داریم که پایه استوار ایدئولوژی ما - مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری و میهن دوستی بی شائبه، وفاداری عمیق به اهداف زحمتکشان میهن ما این بار نیز یورش بربرمشنانه دشمنان انقلاب را، سازمانهای ما با مقاومتی درخور نام و اهداف خود از سر خواهند گذراند و دشمنان استقلال و آزادی میهن را ناکام خواهند ساخت. سازمان های ما آن آگاهی، اراده و نیرو را در خود می بینند که دوش به دوش همه نیروهای

مترقی و میهن دوست در جبهه متحد خلق، دفاع از دستاورد های انقلاب را جامه عمل بپوشانند. کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر این سالروز پرافتخار را به شما همزمان ارجمند صمیمانه تبریک می گوید.

پیروز باد سازمان برادر ما

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بهمن ۱۳۶۲

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

توطئه سرکوب سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را افشاء کنیم!

مردم مبارز ایران!

همانطوریکه پیش بینی می شد و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بارها در یک ساله گذشته اعلام داشت، توطئه سرکوب سازمان فدائیان خلق ایران، که تا کنون سعی می شد از طرف مقامات رسمی ایران به صورت اعلام نشده پیش برده شود امروز رسماً از طرف رژیم اعلام می شود.

روز شنبه اول بهمن ماه ۱۳۶۲، ری شهری دادستان دادگاه شرع ارتش در جریان مصاحبه مطبوعاتی که جهت اعلام احکام افسران انقلابی و میهن پرست ترتیب داده بود اعلام کرد که سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت) را " غیرقانونی" اعلام خواهد نمود!

مدهاست که دستگاه های سرکوب جمهوری اسلامی ایران همه نیروی خود را جهت تعقیب، پیگرد و دستگیری رهبری و کادرهای سازمان ما متمرکز نمودند. سازمان فدائیان خلق ایران در شهرریور ماه در مصاحبه ای که با رفیق فرخ نگهدار دبیر اول کمیته مرکزی سازمان به عمل آمد، اعلام نمود که "هم اکنون مقدمات یورش به سازمان به پایان رسیده است." رهبران جمهوری اسلامی ایران به دنبال سرکوب سازمان بقیه در صفحه ۱۳

مردم مرفقی جهان از ادامه قانون شکنی ها و تضییقات علیه حزب توده ایران خشمگین اند!

بقیه از صفحه ۱۴

این که رهبران ج ۱۰ به هیچ یک از خواست های به حق و انسان دوستانه آنان ترتیب اثر نمی دهند، شدیداً معترض اند. آنان به سرکوب وحشیانه حزب توده ایران، به مثابه پشتیبان راستین منافح مردم ایران، اعتراض دارند، بیه اعمال شکنجه های روحی و جسمی بر توده های دربند و دیگر مبارزان دگراندیش معترضند، بریائی دادگاه های فرمایشی در بسته علیه افسران میهن دوست و برخی از فعالین حزب توده ایران را محکوم می کنند. احکام جابرانه صادر شده از جانب مقامات قضائی ج ۱۰ را مردودی می شمردند و افزون بر اینها، ادامه اعمال ضد بشری و قانون شکنانه و بعد روز موافقت بین المللی و سکوت و واکنشهای غیرمسئولانه مقامات ج ۱۰ در قبال خواست های آنان ابراز خشم و انزجار می کنند. آنان در پیام ها و اعتراض نامه های خود تصریح می کنند اتخاذ چنین عکس العمل هایی، تنها نشانه ضعف و ماهیت ضد انسانی مقامات مسئول ج ۱۰ است. به گوشه ای از این اعتراضات و ابراز همبستگی ها توجه کنید:

بر اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک، پاسخ مثبت دهد.

● سازمان " جوانان سوسیالیست کارگر آلمان، در ایالات هسن و نیدرزاکسن، طی انتشار بیانیه و مخابره تلگرام به مقامات مسئول دولت ج ۱۰، نسبت به اعمال تضییقات و فشار بر علیه حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران، شدیداً اعتراض نموده، پایان دادن به شکنجه و رفتار وحشیانه در مورد آنان و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مرفقی و همچنین تشکیل دادگاه های علنی با شرکت ناظران بین المللی را برای متهمان، خواستار شده اند.

فرانسه

● کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (ت.ث.ت.و.ت) در استان یوش دورن - مرکسز پاریس - تلگرامی به تاریخ ۹ دسامبر (۱۸ آذر) به سفارت ایران در پاریس مخابره کرده است و بدین وسیله نگرانی شدید کارگران منطقه را نسبت به برگزاری دادگاه های در بسته نظامی علیه میهن دوستان و اعضای حزب توده ایران، ابراز کرده است. کنفدراسیون همچنین تأمین حقوق حقه متهمین، از جمله، حق انتخاب آزادانه وکیل از طرف ایشان و انجام جلسات محاکمه به صورت علنی و یا حضور ناظران بین المللی را خواستار شده است.

● از طرف آپاچیو، دبیر کل " اتحادیه فدرال کارگران " فرانسه که از نظر اهمیت دومین سند یکای کاری این کشور است در تاریخ ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) تلگرامی بدین مضمون خطاب به سفیر ج ۱۰، مخابره کرده است:

" بدین وسیله، نگرانی عمیق خود را نسبت به آنچه که در کشور شما می گذرد، ابراز می داریم. اخصار متعدد، مربوط به تجاوز به حقوق انسانها و آزادی در ایران و از جمله، پایمال کردن مواد و ۹ بیانیه جهانی حقوق بشر، ما را وادار می کند، نسبت به نقض این حقوق اعتراض کنیم. ما خواستار آنیم که ضمن مسافرت به کشور شما از نزدیک، چگونگی این اعمال را بررسی کنیم و از این رو، آمادگی خود و نیز هیئتی از ناظران فرانسوی را جهت اعزام به ایران و ملاقات با زندانیان اعلام و منتظر دریافت اجازه رواید از مقامات مسئول این کشور هستیم."

زندانیان سیاسی مرفقی است. به علت تراکم اعتراض نامه ها و کمبود جاسا، تنها به ذکر اسامی شعبه های حزب اکتفا می کنیم:

حزب کمونیست آلمان در ایالت شلزویگ - هولشتین و شهر کیل گروه کمونیستهای مدرسه عالی کیل گروه های حزب در مناطق فریدریشزورف، ساکس زورف، گاردن، دیترشزورف، هاسه و مرکز شهر کیل شعبات حزب کمونیست آلمان در شهرهای کارلسروهه، هایدلبرگ، گیسن، آلسفلد و کلن گروه کمونیستهای مدرسه عالی کلن شاخه ایالتی حزب در استان بادن وورتمبرگ و شعبه حزب در ناحیه ورتراو.

● کنفرانس نمایندگان منطقه ای حزب کمونیست آلمان در کلن نیز، اعمال روشهای وحشیانه در مورد اعضای حزب توده ایران و سایر دگراندیشان را شدیداً محکوم نموده و طی ارسال نامه ای به سفارت ج ۱۰، خواسته است که دولت ایران، ضمن رعایت حقوق حقه زندانیان، بیه تعقیب و پیگرد نیروهای مرفقی، بازداشت و شکنجه آنان پایان دهد و به خواست بر حق محافظان دمرات در آلمان فدرال و سراسر جهان، مبنی

آلمان فدرال

سازمان حزب سبزها در شهر کیل، طی ارسال تلگرامی به مقامات دولتی ج ۱۰، خواسته است که محاکمات اعضای حزب توده ایران در دادگاه های نظامی به فوریت متوقف شود و جلسات به صورت علنی و با حضور ناظران بین المللی برگزار گردد و کلیه زندانیان سیاسی مرفقی آزاد شوند.

این حزب، همچنین متن تلگرام را بیه فراکسیون پارلمانی خود ارسال و از اعضای فراکسیون خواسته است، که در این باره سریعاً اقدام نمایند.

● ارسال نامه ها و مخابره تلگرامی اعتراضی خطاب به مقامات مسئول ج ۱۰ در رابطه با تشکیل دادگاه های در بسته نظامی علیه اعضای حزب توده ایران و افسران میهن دوست، از طرف شعبه های حزب کمونیست آلمان در ایالات و شهرهای این کشور، همچنان ادامه دارد. خواستهای مطرح شده از جانب سازمانهای مختلف حزب، مبنی بر تشکیل جلسات محاکمات به صورت علنی و یا حضور ناظران بین المللی، احترام به حقوق قانونی " متهمان " و آزادی کلیه



با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مرفقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

بیدادگاههای ج.ا.، بر اساس «مدارکی که قابل مطرح کردن نیست»، حکم صادر می کنند

اولین پرده نمایش شوم و خیانت پلار بیدادگاههای نظامی که در آن دوستان مردم و انقلاب، به وسیله دشمنان خلق و آرمانبهای مردمی به محاکمه کشیده شدند، پایان یافت. در این "دادگاه" های خالی از اغیار که چون حجایی بر خیانت های سردمداران ج.ا. به کار گرفته می شود، نه تنها هیچ ضابطه و معیار حقوقی، قانونی و انسانی حاکم نیست، بلکه ابتدائی ترین موازین آئین دادرسی نیز مورد عنایت قرار نمی گیرد. ویژگی های این "محاکمات" را که به فرموده امپریالیسم و ارتجاع بر پا شده، می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. دادگاهی فاقد دلیل و مدرک

سردمداران ج.ا.، از فردای یورش افسار گسیخته به حزب توده ایران با بهره گیری از تقوایی که دیگران را به داشتن آن موعظه می کنند، اعلام کردند:

"از نظر جرم قضایی، این افراد بر اساس اعترافاتشان و مدارک موجود بزرگترین جرم ها را مرتکب شده اند" (اردبیلی - رئیس دیوانعالی کشور روزنامه ج.ا. ۱۸ اردیبهشت)

"حزب توده (ایران) ۳۰۰۰ سعی می کرد به اطلاعات اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور دست یابد ۳۰۰۰ هم اکنون ما دستگاه های جاسوسی از این حزب به دست آورد ایم" (محسن رضائی - فرمانده سپاه پاسداران - اطلاعات - ۲۲ اردیبهشت)

"... در تکذیب اتهامات عجله نکنند. ما مدارک غیر قابل انکار در دست داریم" (هاشمی رفسنجانی - رئیس مجلس ۳۰۰۰ در نماز جمعه)

ولی حتی یک برگ از این "مدارک موجود"، دستگاه های جاسوسی و "مدارک غیر قابل انکار"، در جریان محاکمات فرمایشی ای که گزارش های دیکته شده، مخدوش و ناقص آنها در روزنامه های مجاز کشور درج شده، در معرض داوری عمومی مردم ایران و جهان قرار نگرفت. به این دلیل روشن، که مدارک و سندی وجود نداشته و نمی توانسته وجود داشته باشد تا دادستان حکومت ج.ا.، آن را به کیفرخواست ادعایی خود ضمیمه کند.

سردمداران ج.ا. و مراجع قضایی و عاملان اجرائی آنان در زمینه ارائه و چند و چسبونی "مدارک موجود" در جریان بیدادگاه ها، به همین بسنده کردند که مضمون اتهامات سیاه ساخته و ساواجا پردازده را تکرار کنند و توهمات

مهجور و مالبخولیای ذهنی خود را در قالب سند و مدارک بگنجانند و بر پایه آن، زمینه قتل عام گسترده ای را تدارک ببینند.

اما موج فشار و اعتراضات گسترده نیروهای مترقی جهان مانع از آن شده که خیانت پیشگان حکومتی، به این عدالت کشی های رسوا ادامه دهند. از این رو تقلاهای مذبحانای در جهت مدرک سازی و سند تراشی آغاز شد و حاصل نامشروع آن در آخرین جلسه بیدادگاهی که در آن چند خبرنگار خارجی راه یافتند، به اصطلاح به نمایش گذاشته شد: چند خان و مترها سیم که هر دانش آموز دبیرستانی ای هم می تواند آنها را سرهم کند! خبرنگاران خارجی، در برابر این "دستگاه جاسوسی" که میلیون ها مشابه آن را در فروشگاه های الکتریکی ایران هم می توان یافت، واکنشی جز پوزخند نداشتند و مردم کوچکیه و بازار به حق این "دستگاه جاسوسی" را با دستگاه های پیشرفته و پیچیده ای که در جاسوس - خانه آمریکا کشف شده، مقایسه کردند و یک بار دیگر بر بی پایگی ادعاهای سران ج.ا. پسوی بردند.

به اعتراف صریح حجت الاسلام ری شهری، رئیس دادگاهی که پیش از آغاز کار محاکمات، "متهمین" را "جاسوس" خواند، توجه کنید: "خبرگزاری فرانسه: سه جز لوازم الکترونیکی که به ما نشان دادید و سلاح هایی که پیدا کردید چه مدارک دیگری داشتید؟"

رئیس دادگاه: "مدارک یا لوازمی که آنها برای کارهای خودشان داشتند، مدلی که در رابطه با دستگیری این حزب وجود داشت، مدارک اطلاعاتی است که قابل مطرح کردن نیست و این لوازم هم غیر از این لوازم الکترونیکی و اسلحه، ظاهرا چیز دیگری که قابل مطرح کردن باشند، نبوده" (اطلاعات، ۲ بهمن)

حجت الاسلام ری شهری، با این اعتراف رسوا کننده، در عین حال سند محکومیت محاکم قضائی و سران شقی ج.ا. را که بر پایه "مدارکی که قابل مطرح کردن نیست" - پی گیرترین پشتیبانان منافع مردمی را به پای میز محاکمه می کشند و زندگی و آزادی و شرف آنان را به بازی می گیرند، ارائه می کند.

دامنه تقلاهای مدرک سازی و سند تراشی، به مطبوعات مجاز هم کشیده شد.

قلم به مزدان روزنامه ج.ا. ۲۹ دی - در این رابطه می نویسند:

"رادبوهای فارسی زبان شهری ۱۳۲ پرنه خود را به حمایت از جاسوسان توده ای اختصمی داده اند"

و اضافه می کنند:

"لازم به توضیح است که محور عمده سخن پزاکنی های رادیو مسکو بر این ادعا خلاصه می شد که اعتراضات سران حزب ۳۰۰۰ تحت شرایط غیر طبیعی از قبیل به اصطلاح شکنجه، آمپهل قرص و غیره بوده است. و همچنین ادعا کردند که هیچ گونه سندی دال بر جاسوس بودن سران اعضا حزب در دادگاه انقلاب اسلامی ارائه نشده است"

و سرانجام به افتخار کشف "بهترین و روشن ترین دلیل و سند" ناظمی آینه وی نویسند:

"۳۰۰۰ اگر بر فرض محال، دلیل و سندی در محکومیت سران حزب در دست نبود، همین حمایت های آشکار تبلیغاتی و پشتیبانی کلیت نشیمن کرملین از این عناصر وابسته خود بهترین و روشن ترین دلیل و سند بر جاسوس بودن و خیانت حزب ۳۰۰۰ است"

ناگفته پیداست که در خلال این عبارات غلاظ و شذاد، اعتراف ضمنی به عدم وجود مدرک و سند هم نهفته است. در واقع قلم به منزدا ن جمهوری اسلامی و نیز صاحب امتیاز این روزنامه خامنه ای - رئیس جمهور - و همپالگی هایشان به خوبی می دانند که این تنها اتحاد جماهیر شوروی نیست که به درستی و بر اساس سرشت مردمی و مشی اصولی خود از زحمتکش و حامیان توده های محروم، از حزب توده ایران دفاع می کند. تمامی احزاب، سازمانها، نهادها و محافل کارگری، دکرآتیک، مترقی و انقلابی سراسر جهان که قطعا تلگرامها، پیام ها، نامه های اعتراضی و همبستگی با حزب توده ایران و توده های در بند آنان را دریافت کرده اند، به دفاع از حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران برخاستند و آمادگی داوطلبانه خود را برای حضور در دادگاهها، بررسی وض "متهمین" و چگونگی "کسب اقرار" از آنان اعلام داشتند. سردمداران ج.ا.، آگاهانه بر این حقیقت چشم می بندند تا بر واقعیت عدم وجود "بهترین و روشن ترین دلیل و سند"، که به کلی اعتبار هر دادگاهی را ساقط می کند، پرده بکشند و گرنه آنچه که آنان به عنوان "سند جاسوسی و خیانت" از آن یاد می کنند - یعنی حمایت بی دریغ و آگاهانه نیروهای مترقی جهان - سندا افتخارگو و بالاترین احساسات انسان دستان سوعده الت جویانه این نیروهاست که در سراسر جهان، برای دستیابی به آن مبارزه می کنند.

۲. دادگاهی خالی از اغیار

آقای لاجوردی در مصاحبه ای با روزنامه بقیه در صفحه ۱۰

۱۴ بهمن روز شهیدان حزب ونهضت: ارانی تنهارفت ومیلیونها بازگشت!

۱۴ بهمن روز خاطره‌های گلگون، روز شهدای حزب ونهضت، روز انفجار آیه‌های رسولی که از خاکستر حقیقت برخاست و با دهان "ارانی" آوازه‌های سرخ رستگاری خواند، روز مرد گانی که به تمامی از این جهان نرفته‌اند، روز پیوند عاشقانه وفاداری و مرگ، روز رستاخیز آن تن مجروح و تناوری که به حجم گور همه شهدای ماست. اسما! این روز در شرایطی برگزار می‌شود که بخشش بزرگتری از خاک میهن ما به گورستان شهید ابدل شده است.

۴۴ سال پیش در چنین روزی استبداد شوم رضا شاهی، زندگی پرفنای مردی را از خلق ما گرفت که داغ او همیشه بر دل جنبش توده‌های و کمونیستی ایران تازه امست. اگر حادثه مرگ "مارکس" به مثابه کوتاه شدن یک سر و گردن از قامت بشریست تعبیر شده، مرگ زودرس ارانی به معنی کوچک شدن پیکر خلق ما - درست به اندازه بزرگ - ترین سری که داشت - بود. "آواز خوان گذشت، ولی ترانه‌اش به دامنه کوهپایه‌های وطن ما گل کرد". "ارانی در حزب توده‌های ما شکفت، در کوجه و خیابان جاری شد، در خانه‌ها و کارخانه‌ها، در آه‌سن و کوره و پتک، در بازوی رنج و نبرد، روئید، در روستا،

در داس و خیش و خرمنکوب دهقان، در جوانیه‌ها و ریشه‌ها و گندم زارها، منتشر شد. ارانی آلودی که از ارانی تا امروز امتداد دارد، از میدان بزرگترین حماسه‌های خلق ما و گورستان هزاران قهرمان گنم می‌گذرد. این جای پای رزم و نبوت و مناجات از هولناک ترین شکنجه‌های جهنمی‌ترین زندانها و آستانه ارفوانسی صدها سحرگاه تیرباران عبور کرده و با اخگر هزار قلب پر گونه آینده بوسه زده است.

آری، طلبیدن رهایی و آزادی مردم، یعنی اعلان جنگ آشکار به دشمنانی که بی‌شماره از زحمت‌نم بخشیدی و فکری مردم برای آراستن کاخ‌ها، و پایمال کردن سعادت بشری استفاده می‌کنند. نبرد با آنان، نبرد پهلوان است بسا اژدهایی هفت سر، آتشکام، بی‌رحم و شرم، نبردی مقدس و عظیم که تاریخ ایران از غلغله حماسه‌آمیز آن سرشار است: بی‌آفرید، ابوسلم، المفتح، مزک،

بابک، مازیار، مرد اویج، سرداران... مجاهدان و قداثیان جنبش مشروطه، شهیدان استبداد رضا شاهی، عشقی، فرخی، ارانی، شهیدان جنبش آذربایجان و کردستان، شهیدان سازمان نظامی حزب توده، ایران در ادوار مختلف آن، شهیدان جنبش پایداری اخیر دوران ارتجاع سیاه محمد رضا شاهی: خسرو روزبه، هوشنگ تیزایی، خسرو گل‌سرخ، پرویز حکمت جو... شهیدان کنونی جنبش مردم ایران... فهرستی بسیار، بسیار ناقص از یک کارنامه بسیار عظیم، پرافتخار، از کارنامه نبرد مردم ایران علیه فئودال‌ها و سرمایه‌داران ستمگر، علیه مستبدان،

و ایثار را به تمامی ننوخته‌اند. از آن سیده دم خونین که فریاد ارانی و یارانش دیکتاتوری نو استقرار یافته را لرزاند تا روزی که تخت و تاج سلطنت واژگون شد، فریاد توده‌های در شکنجه‌گاه‌ها و میدان‌های اعدام هرگز قطع نشد. هنوز رزمی و محسومی در سیاه چال‌های شاه می‌خورشیدند که قامت پهلوان، حکمت‌جو در شکنجه‌گاه قطعه قطعه شد. و هنوز خلق در سوگ پرویز بود که تیزایی با اسطوره مقاومت خود در خیمن را از پا انداخت و خود با دهان بسته - دهان خجسته‌ای که راز سر بسته خلق را در خود داشت - مرگ را صدا کرد. هنوز صدای گلوله‌هایی که رحیم و توح را در خیابان تیرباران کرد در فضا طنین انداز بود که توده‌های همراه خلق به فتح آخرین دژهای رژیم شاه رفتند و خون آنها با خون خلق در هم آمیخت. آنگاه آزمون دیگری فرا رسید و پهلوانان توده‌های همچون عسگر دانش، امیر علی‌خانسی، تقی جاووشی، سیمین سلامی زاده و صدها پهلوان دیگر، پیشاپیش مردم در میدان‌های خون و آتش در جبهه‌های دفاع از میهن جان باختند. هنوز خاطره فداکاری‌ها و جانیازی‌های این شیفتگان خلق، در یاد‌های مردم میهن مازنده است، که یورش وحشیانه به پیگیرترین مدافعان راه مردم، حسین پور تبریزی و ریاحی و ده‌ها تن دیگر را به کام خود فرو برد. آری این صف طویل شهدا و شکنجه‌دیدگان و قهرمانان، این دعوی سترگی است که با هیچ عیاری قایل سنجیدن نیست! سرود بخوانید، بخوانید!

سیاهان هارلم، کشتگران ویتنام، کارگساران دمشق، بزرگان کنگو، سربازان آنگولا، خلق‌های جهان، جهان کار سرود بخوانید، بخوانید: این قافله شهیدان است که باز می‌گردد و در دست‌های خونین خویش لبخند آزادی دارد. این سرود شهیدان است که بر خاک وطن می‌گذرد: مرگ ما بهیای آزادی خلق ماست... گوش کنید... گوش کنید... هنوز صدای خنجر آسای و وارطان "از دیوار شکنجه‌گاه می‌گذرد". من می‌میرم، اما باز نمی‌گرم... هنوز "سیامک" در برابر جوخه اعداام لبخندش را به پیشیا ز آینده می‌فرستد: "آنها که از بی‌ما می‌آیند، پرچم ما را د و باره به دوش می‌کشند".



فاشیست‌ها و نوافاشیست‌ها و چاکران استعمار و نواستعمار. این کارنامه تنها برای آنکه تصوری به دست‌آید ارائه می‌شود: از این میدان حتی یک نام را نباید فراموش کرد! اگر امروز جباران و ستمگران، سرزمین میهن ما را از خون ارانی‌ها و شاگردان وفادار او گلگون می‌کنند، پیروزی نهایی با ارانی است که گفت: "توه محرك و تغییر قواستین جابزانه به دست توده‌ها به قدری بزرگ است که بزرگترین سدها را در سر راه خود خورد خواهد کرد". کد امین نغمه می‌ریزد کد ام آهنگ خواهد ساخت، طنین گام‌هایی را که سوی نیستی مردانه می‌رفتند! طنین گام‌هایی را که آگاهانه می‌رفتند! رهروان این قافله خونین، هنوز تاریخ رزم

نابرابری در عرصه کار، محدودیت‌های اجتماعی زنان را تکمیل می‌کند

در انتخاب کار که در حرف مورد قبول حکما، ج ۱۰۱۰ نیز هست در عمل، محلی از اعراب ندارد.

سردمداران ج ۱۰ از انواع وسایل برای طرد زنان از عرصه زندگی اجتماعی استفاده می‌کنند و آنان را همچون "بیگاران" تنها در انجام کارهای دشوار بی‌حق و حقوق آزادی‌گذارانه زنان و دختران روستایی ما که بخش عظیم نیروی کار در تولیدات کشاورزی و صنایع دستی و خانگی را شامل می‌شوند، با مبتدی‌ترین روشها و وسایل قرون وسطائی و پست‌ترین شرایط محیطی، به بهای صرف جان خود کار می‌کنند. نیروی ارزان زنان کارگر که در زمان رژیم ضد مرد می‌شاه به بهای بازار کار کشته شده بود، با حفظ نابرابری‌های

ما تحمیل کرده است. دشمن طبقاتی کاملا به قدرت اتحاد و تشکل زحمتکشان، اعم از زن و مرد واقف است و برای جبران شکست تاریخی خود، می‌کوشد جنبش توده‌های میهن ما را از مشارکت فعال نیمی از جامعه محروم سازد.

انقلاب بهمن ۵۷ نتیجه درک و آگاهی زنان و مردان میهن ما، از بحران و نابرابری‌های اجتماعی بود. همکاری و تفاهم عمیق میان زنان و مردان در جریان انقلاب، پست پشت سر گذاردن بینش‌های پیوسیده و عقب افتاده، در تمام عرصه‌های مبارزه، چنان قدرت و شخصیتی از زنان به نمایش گذاشت که سردادن شعار "زن، انسان ساز است" نقش زنان در این نهضت از مردها بیشتر است و "در اوج پیروزی از جانب

تحمیل موازین قرون وسطائی بر زنان، در ابعاد فاجعه باری گسترش می‌گیرد. سیاست زن ستیزانه حاکمیت ج ۱۰ هر روز با وضع مقررات جدید، محدودیت‌های بیشتری را علیه زنان به ثبت می‌رساند. موقعیت اجتماعی زنان، فشار از جنجال‌های تبلیغاتی و های و هوی و معسرکه پردازی‌ها نشان می‌دهد که مسئولین ج ۱۰ به رغم ادعاهای پیچ‌وپیچ‌محتوی، نه تنها قدمی در راه اعاده حقوق حقه زنان برنداشته‌اند، بلکه به کمک ارتجاع و قشرونی از هیچ فرصتی برای شقه کردن پیکر رزمده "جامعه ما، به دو نیم بی‌جان زن و مرد غافل نمی‌مانند."

به موازات تحکیم هرچه بیشتر مواضع غارتگران منافع مردم در حاکمیت، تهدید امنیت شغلی و اقتصادی زنان و عملا محروم ساختن آنان از سایر حقوق اجتماعی، مشتایی فزاینده به خود گرفته است. محتوای متفاوت آموزش پسران و دختران، محدود کردن رشته‌های تخصصی برای دختران، اخراج بی‌رویه زنان از پست‌های دولتی به بهانه‌های مختلف، تصویب و اجرای قانون اشتغال نیمه وقت زنان و بالاخره جلوگیری از استخدامات جدید هم زیر پوشش "احترام به مقام و وظایف والای مادری"، زنان را به موجوداتی درجه دو تقلیل داده است.

تاریخچه اعمال تضییق و تحدید حقوق حقه زنان میهن ما، به یورش‌های برنامه ریزی شده جریان راست‌تار عرصه اقتصادی بر می‌گردد. یورش‌های که سلاح و ایدئولوژی سیستم‌های بهره‌کشی، یعنی تبعیض را به میدان آورد. تبعیض گرایانه ابزار سودجویی و وسیله کارائی در روند اقتصادی حکومت‌های ضد مردمی است. در بحران‌های اقتصادی جوامع سرمایه‌داری، زنان همراه اقلیت‌های نژادی یا خارجی قبل از همه زیر ضربه اخراج‌ها و تسویه قرار می‌گیرند. تبعیض گرائی، کلا سیاست تجاوز به حقوق طبقه کارگر است. سیاستی است که زنان را در همان موقعیت پستی نسبت به مردان قرار می‌دهد که زحمتکش را در برابر سرمایه، تبعیض و تعرض عنان گسیخته مراجع مسئول به حقوق زنان سیر صعودی طی می‌کنند. آگاهی استخدامات رسمی کشور گوشه‌ای از این فاجعه را نشان می‌دهد. زیرا زنان را از احراز مشاغلی که به زعم مسئولین کشوری ج ۱۰ برای آنان مجاز شمرده می‌شود نیز محروم می‌سازد و منحصر از "برادران" جهت اشتغال به کار دعوت به عمل می‌آورد.

هم‌تراز چنین تبعیض خشنی را تنها در سیاست آپارتاید حکومت‌های نژادپرست می‌توان یافت.

بورژوازی راست‌گرای افراطی، با توسل به پست‌ترین شیوه‌ها، جداسازی صفوف زنان و مردان و به کنج خانه راندن زنان را به جامعه



گذشته، زیر ضربه بی‌حرمته‌ها و اخراج‌های بی‌رویه و خود سرانه قرار گرفته است. موقعیت شغلی زنان در آموزش و پرورش، خدمات پزشکی و سایر خدمات اجتماعی شدیداً مورد تجاوز همه جانبه ارتجاع است.

به رقم تبلیغات ارتجاع حاکم (و تأکید قانون اساسی) نه تنها زمینه‌های مساعدی برای جبران عقب افتادگی و امکان رشد شخصیت زنان به وجود نیامده، بلکه تضییق و فشار مضاعف قانونی گردیده است. برخورد ج ۱۰ با مقام اجتماعی زن کلا در محتوی، شکل و سمت آن با جامعه انقلابی ما بیگانه است.

آگاهی انقلابی زنان، دستاورد تجربه عینی آنان است. نه عوام فریبی‌های دامنه دار مسئولین و نه یورش و سرکوب دشمنان مردم قادر به شکستن مقاومت و عزم راسخ زنان در کسب شخصیت واقعی برای خود نیستند.

رهبران ج ۱۰۱۰ اجتناب ناپذیر بود. پیروزی انقلاب زمینه‌های مساعدی برای آزادی زنان از قید پیداری‌ها و نابرابری‌های اجتماعی به ارمان آورد. با آنکه کمبودها و نارسائی‌های جدی در مورد حقوق زنان در قانون اساسی ج ۱۰۱۰ دیده می‌شود، اما نه تنها همین اصول نیز به مرحله اجرا در نیامده بلکه سردمداران ج ۱۰، احکامی را برپسند عمل می‌نشانند که درست نقطه مقابل آن است.

انقلاب پر شکوه مردم ایران، رفح هرگونه نابرابری اجتماعی و اقتصادی، از جمله محو ستم مضاعف بر زنان را در دستور کار دولت انقلابی قرار داد. دولت ج ۱۰ می‌بایست "برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او زمینه مساعد فراهم آورد" و "با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید".

اصل مسلم و پذیرفته شده "آزادی انسان

اسناد وزارت امور خارجه انگلستان سخن می گویند

آی مردم! نامه و مردم

حزب توده ایران بارها اعلام کرده است و تجربه تاریخ نیز به کرات این واقعیت را به اثبات رسانده است که هرگاه امپریالیسم و ارتجاع، منافع غارتگرانه خود را در کشور مادر خطر دیده و در مصلحت دیدن چاره جویی برای حفظ آن برآمد مانند در نخستین گام سرکوب حزب توده ایران، پیگیرترین هدف منافع مردم ایران را در ضروری شمرده و به مرحله اجرا درآورده است. اینک از فصول مشترک فاجعه ۲۸ مرداد با روندی است که اکنون در حال تکوین است و اتصالات شکوه مند بهمن ۲۷ به سوی ورطه شکست قطعی می کشاند.

تاریخ در تحدید نفوذ حزب توده (ایران) خواه دید داشت و یا اصولا دیدست به سرکوب حزب توده (ایران) خواهد رفت. فعالیت ادامه خواهد داد و بر نفوذ خود در مراکز صنعتی و سیاسی دولتی خواهد افزود. سرافق شید، چاره نجات ایران را از "خطر کمونیسم" انجام یک کودتای ضد کمونیستی که در پی آن رژیم دیکتاتوری روی کار آید و حاضر باشد فورا اقدامات زیر را انجام دهد می بیند:

اسناد سری وزارت امور خارجه انگلستان که پس از ۳۰ سال اخیر منتشر شده است، گواهی بر واقعیت و نشان دهنده خصوصیت درونی طبقاتی امپریالیسم و ارتجاع نسبت به حزب توده ایران است. در میان این اسناد، سندی با شماره ۳۸۱۰ که در واقع تلگرافی است از سوی سیر اف اف شیند منشی مخصوص نخست وزیر انگلستان به وزارت امور خارجه انگلستان که در تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۵۲ - ۱۳۳۱ در تهران مخابره شده است، سراسر افشانه می شود در این تلگراف ابتدا تحلیلی از وضع ایران ارائه داده و از امکان تثبیت حکومت صحتی و ادامه حرکات وی علیه منافع بریتانیا آبراز نگرانی کرده است. وی در ادامه این مطلب، خطرات تداوم حکومت صحتی را چنین بیان می دارد:

"از آنجا که تبلیغات ضدی در به اجرا درآوردن کارهای بالا (بستن بانکها و مراکز فرهنگی انگلیس در تهران و عدم تمدید قرار داد های مشاوران نظامی آمریکا) همسویا تبلیغات توده ای هست، صدق ممکن است این امر را به عنوان بیمه ای برای دولت خودش در مقابل خطر کمونیست ها ارزیابی کند. اشتباه بزرگی است اگر فکر کنیم صدق کامیابی جدی

۱- سرکوب حزب توده (ایران) ۲- انجام اصلاحات اداری ۳- تسخیر منابع مالی قوی در راه تثبیت وضع مردم ۴- تاجاییس و غافل گشته کار امپریالیسم قزوق ۵- باز کردن شهرهای نفت و جاری شدن آن به سوی بیرونی های امپریالیستی ۶- تاجاییس هزینه های اقدامات توصیه می کند ۷- سر واضح است که اقدامات دیگر در جهت ساکت کردن مردم و شکستن مقاومت آنان در برابر این کودتای است ۸- این سند گویا، بیانگر کلیه امپریالیسم و حزب توده ایران و وحشت از نقش آن به مثابه بستج گر و سازمانده مبارزات مردم علیه تسلط امپریالیسم و انحصارهای آن است.

سرکوب حزب توده ایران همواره در حکم هموار کردن "خاکریز اول" برای جنگ انداختن امپریالیسم به منابع قوت های منسی و استثمار وحشیانه زحمتکشان میهن ما بوده و همیشه سرکوب حزب توده ایران مقدمه تسلط ارتجاع، برقراری دیکتاتوری خونین کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و پایمال کردن آرمانهای مردم در زیر چکهای گزبه های استبداد است.

۱۲ بهمن ۱۳۳۲، روز انتشار نخستین شماره روزنامه مردم، کار مرکزی حزب توده ایران است. این روزنامه که ابتدا ارکان فاشیستی حزب بود، در ۱۶ بهمن ۱۳۳۲ به جای روزنامه رهبر به عنوان ارکان حزب انتشار یافت. از این تاریخ، روزنامه تاریخ خود را به مثابه ارکان مرکزی حزب طبقه کارگر ایران و روزنامه مردم به مثابه ارکان مرکزی بیداری و آگاهی توده های زحمتکش برعهده گرفته و در ادامه مساعی به جهت تکمیل نقش خود در مبارزه با کمینجی های فزاینده استعمار و دانش و طبقه به انضباط و ایقان بخش پیوسته در کارگر ایران در هر سطح، از راه تالیف و تدوین مطالب علمی، تحقیقی و ترویجی در بین و بیرون کشور می افکند.

نگرش به هستی خویش و انتظارگرا نه مردم را فصل جداگانه ای طلب می کند. ویژه در سالهای پس از انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۳۲

مردم

مردم روزنامه روزانه است. هدف از انتشار آن، آگاهی دادن به توده های زحمتکش و مبارزه با استعمار و امپریالیسم است.

قیمت ماهانه: ۱۰۰ ریال

مدیر: دکتر سید علی حسینی

معاون مدیر: دکتر سید علی حسینی

محرران: دکتر سید علی حسینی، دکتر سید علی حسینی، دکتر سید علی حسینی

ناشر: دکتر سید علی حسینی

تأسیس: ۱۲ بهمن ۱۳۳۲

دفتر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰

تلفن: ۱۰۰۰

پست: ۱۰۰۰

دربار تحریکات ایران خاموش نمی مانیم

اخیرا در جلسه دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سیاست تحریک آمیز، مد آخله جوانه و دشمنانه هیئت حاکمه ایران علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان مورد بررسی و گفتگو قرار گرفته است. در پایان مذاکرات دفتر سیاسی تصمیم گرفته است که برخی از موارد تحریکات ضد اخلاص ایران در امور داخلی افغانستان تنظیم گردد و از طریق وسائل

ارتباط جمعی به اطلاع افکار عمومی همسرود افغانستان و دیگر خلق های جهان برسد. و نشان داده شود که چگونه علی رغم تعقیب سیاسی سلطنت اصولی همراه با گذشت و نرمش از جانب سلطنت جمهوری دموکراتیک افغانستان، محافل راستگرای حاکم بر ایران برخلاف منافع مردم هر دو کشور در سیاست تحریک آمیز دشمنانه و توأم با سوء نیت راجع به افغانستان اقدام می نمایند.

مردم (نامه مردم) را کشف توطئه ها و افشای ضد انقلاب و عناصر قزقل طلب و اقمسری که سعی در براندازی و یا مسخ انقلاب داشتند و نیز با طرح برترین مسائل مردم و انقلاب با استقبال توده ها مواجه شده روزنامه مردم با ۵۷ شماره دوره اخیر خود نقش برجسته ای در انجام بحسبیدق جنبش کارگری میهن ما و توضیح و ترویج مواضع حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران ایفا کرده و این گناهی نبود که از نظر مدافعان منافع سرمایه داری و امپریالیسم بخشود بی باشد. هر چند این پیام آوری پیش از طبقه کارگر در ایران اندک اندک رگه های تفکر و تاج مردم در همین عهد و زمانه است. و این توطئه را طغیان و

تحولات طبقاتی در

سرمایه‌داری بوروکراتیک مهیا می‌کرد.

در سال‌های پس از انقلاب در حالی که دانشگاه‌های ایران بسته به بهترین روشنفکران انقلابی در جنگ شهید می‌شدند، یا در روستاها و در دور افتاده به سازندگی می‌پرداختند، و در حالی که بخشی از بهترین و متعهدترین روشنفکران، متخمسین و مدبران انقلابی، به جرم دگراندیشی می‌شدند، دستگاه دولتی از بستگان تجار و روحانیون بزرگ و نیز از فرصت‌طلبان نواسلام، انباشته می‌شد. این نخبگان نیا به سرعت صف‌های خود را آراسته اغلب آنان با پیوند های گوناگون شروع و نیمه مشروع و نامشروع به جریان تولید و سرمایه‌داری، وابسته بودند و یا به زودی وابسته شدند و از این طریق به گز ثروت برداشتند. در میان آنان برخی گروه‌ها هویت سیاسی روشن داشتند؛ گروهی از حلقی زاده و بستگان و دستیاران بازاریان و سرمایه‌داران؛ گروهی و واسطه‌های مستقیم آنان در سوء استفاده از امکانات دولتی بودند. گروه کثیری از حجتیه‌گرایان، توابین و فعالین حجتیه، که روی موج گستاخ‌های ارتجاعی دستگاه دولتی را پسر می‌کردند؛

ما هنوز پدید آمده نفوذ فرصت‌طلبان امروز و سازشکاران دیروز را داریم اینان برای پوشاندن سابق خویشتن معیارها را عوض می‌کنند. این‌ها که نفوذ در آموزش و پرورش و اعمال به ظاهر مکتبی و حزب‌اللهی باعث رنجش زه افراد مؤمن و لایق شده و به عکس به نالایق‌ها فرصت عمل داده‌اند. (۰۰۰۰)

چراغی - نماینده دامغان - ص ۰ آ ۰ ۳ آیان ۶۱)

اما جریان مهتر مغیلب افراد فرصت‌طلبی بوده که همواره به سوی قطب قد جذب می‌شوند. اینان که در میان آنها تحصیل کردگان غرب‌گرای دانشگاه آمریکا و اروپا فراوان بودند، اغلب با اسلام نمایی غلیظ، اهرم‌های کلیدی در دست دولتی را اشغال می‌کردند؛

کسانی که فرصت‌طلبانه می‌آیند و از برخورد احیاناً سطحی و قشری، با مسایل دینی استفاده می‌کنند. ۰۰۰ به شعائر مذهبی پایبند بودن بسیار خوب است و حتی اگر این ملاک بشود، به سرعت بدترین عناصر می‌آیند و در بین موقعیت‌ها خودشان را جا می‌زنند. آدم‌هایی که بیشتر بینی شخصیت هستند زودتر خودشان را با هرقالی که سازگار باشد وفق می‌دهند. (خوشینی‌ها - کی ۱۳ مرداد ۶۱)

این گروه‌ها به سرعت با بقایای سرمایه‌داری بوروکراتیک وابسته در آمیختند بوروکراسی بوروکراتیک نوین را به وجود آوردند.

دو شاخص اصلی پیدایش بوروکراسی بوروکراتیک

دو شاخص اصلی پیدایش شتابان بوروکراسی بوروکراتیک نخست رواج چشم

بازار اختلاس و ارتشاء سازمان یافته به وسیله باند های گسترده، و دوم گرایش نیرومند به راه رشد سرمایه‌داری و گسترش مناسبات با اردوگاه امپریالیسم در دست دولتی بود. (۰۰۰ انقلاب‌های رهایی بخش ملی دوران معاصر - ک. ن پروتنس - صفحات ۸۴ - ۷۸)

حزب توده ایران نخستین نیروی سیاسی و انقلابی در میهن ما بوده که سرمایه‌داری بوروکراتیک نوین را به مثابه یک نیروی نیپای ضد انقلابی افشاشد که خطرات آن را برای انقلاب یادآور شد.

سرمایه‌داری نوین بوروکراتیک، آفت بسیاری از انقلابها بوده است. تحلیل داخلی حزب توده ایران - شماره ۷۶ - ۱۹ دی ۶۱)

نیروهای راستگرا و تسلیم طلب در حاکمیت نیز که در جستجوی کادر و مدیر سازمانگر حلقه به گوش بودند، تنها از این جریان جلوگیری نکردند، بلکه خود نیز از مجاری رسمی و نیمه رسمی سازمانگر آن شدند، تا از میان این مدیران نکیسه جیره‌خوار فرمائندار، دار و دسته خود را سازمان دهند. بنابر آمارهای نخست وزیر ارائه داده است، دستگاه دولتی متکی به ۶۰۰۰ مدیر است که سالهای انقلاب تربیت شده‌اند. نخست وزیر ادعا می‌کند که اینها مدبر را با خون تربیت کردیم. به پایش خون ریختیم. (ص ۰ آ ۰ ۸ شهریور ۶۱)

اما واقعیت این است که اکثریت قاطع این مدیران دست پروردگان و تربیت شدگان نظام پیشین، غرب زدگان رشیدار، فرصت‌طلبان بی‌ریشم‌ای هستند که به همه می‌آیند، جز آنکه دستگاه اجرایی و سازندگی انقلابی را سازمان دهند. کس رسوایی این دستگاه به آنجا کشیده است که نخست وزیر ناگزیر است گوشه‌های ماجرای "تربیت باخون" را از تریبون مجلس فاش کند؛ حاکم شرع شهردار

"راه توده" برای آشنایی بیشتر خوانندگان خود با طبقاتی که در کشور حاکمیت مرکزی حزب توده ایران طی سلسله مقالاتی به شرح این طبقاتی پرداخته است، در مقالات گذشته بررسی آماج‌های انقلابی و درجه تحلیلی آنها و برخی تحولات طبقاتی در جامعه ایران را به پایان رسانیدیم و در ادامه این بحث دیگر تحولات طبقاتی، افراد و طبقات انقلاب، رنجش به راست حاکمیت و در ایل آن ترکیب کومی حاکمیت و وظایف حزب ما را از دیدگاه پلنوم جدید کمیته مرکزی حزب توده ایران بررسی خواهیم کرد.

پیدایش و رشد بوروکراسی بوروکراتیک نوین

در قطعنامه پلنوم جدید هم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است: "حاکمیت نوین" با آنکه تحت تأثیر جو انقلابی، اقداماتی را در زمینه دگرگونی دستگاه دولتی به ارث رسیده از رژیم گذشته آغاز نمود، ولی این اقدامات به زودی متوقف شد و در مجموع دستگاه دولتی تقریباً دست نخورده باقی ماند. حال آنکه بدون تبدیل دولت به عامل پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و بدون دموکراتیزه کردن دستگاه دولتی، تدایم انقلاب امکان پذیر نبود. (استاد پلنوم جدید هم ویژه نامه "راه توده" ص ۷)

برای دگرگونی بنیادی دستگاه دولتی لازم بود که هر ساختار دستگاه دولتی بر مبنای انقلابی نوسازی شود و هم نیروی انسانی شافل در بخش دولتی تصفیه و بازآموزی شوند.

حاکمیت در زمینه تخیر ساختار دستگاه دولتی هیچ اقدام قابل توجهی به عمل نیامد. نیاز شدید انقلاب به گردش شتابان و انقلابی امورد برخی زمینه‌ها، موجب پیدایش "نهادهای انقلابی" شده که در سال‌های نخست کم و بیش با آهنگ انقلاب حرکت می‌کردند، و در برخی از آنها، برای نمونه هیات‌های هفت نفره تقسیم زمین و جهاد سازندگی، جو انقلابی حاکم بود. با توقف و برگشت انقلاب، ضوابط و قانونندی های حاکم بر دستگاه دولتی در این نهادها نیز رواج یافت. هیات‌های هفت نفره به تدریج دلایلی وجودی خود را از دست می‌دهند و جهاد سازندگی به وزارتخانه جدیدی تبدیل شده است. در زمینه پاکسازی دستگاه دولتی، به ویژه یکی دو سال نخست انقلاب اقداماتی انجام گرفت. اما این اقدامات برای براندازی پدید آمده فاسد و فساد پروری که بوروکراسی بوروکراتیک نامیده می‌شد، هرگز کفایت نمی‌کرد. بوروکراسی بوروکراتیک، به گروه‌هایی از کارمندان کشوری و لشکری در دستگاه دولتی اطلاق می‌شود که با سوء استفاده از موقعیت خویش به گردآوری ثروت می‌پردازند، و از این طریق در حفظ و رشد نظام سرمایه‌داری انچنان ذینفسم می‌شوند که به عنوان مدافعان و نگهبانان سرسخت این نظام در دستگاه دولتی عمل می‌کنند.

در نظام ستشاهی، بخش بزرگی از کارمندان کشوری و لشکری با همین مکانیسم به سرمایه‌داران و زمین داران بزرگ وابسته تبدیل شدند. در عین حال دستگاه دولتی زمان شاه انباشته از فرصت‌طلبان کهنه کار و تحصیل کردگان غرب‌گرای اروپا و آمریکا بوده که اگر چه هنوز فرصت ارتقاء تا سطح سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ را پیدا نکرده بودند، اما گرایش بسیار نیرومندی در این راستا داشتند. پاکسازی‌های انقلاب، تنها بخش بالایی بوروکراسی بوروکراتیک را هدف قرار داد. بسیاری از مهره‌های تصفیه شده منیز یعدها دوباره به خدمت گرفته شدند. بوروکرات‌های تربیت شده در نظام ستشاهی، در ارتش و دستگاه‌های سرکوب‌گر اطلاعاتی، در نهادهای اقتصادی مهم چون سازمان برنامه و بودجه، سازمان گسترش صنایع و وزارت دارائی امروز نیز اهرم‌های اصلی اجرایی را در اختیار دارند. برخی از آنان در توطئه‌های براندازی شرکت داشتند. اکثریت قاطع آنان پشتیبان گروه‌های مختلف سازشکاران (دولت موقت - گروه بنی صدر حاکمیت کتونی) برای سنخ انقلاب و سازش با امپریالیسم و ارتجاع داخلی بودند. در سال‌های اخیر اکثریت قاطع افرادی که از کار در دستگاه دولتی اخراج می‌شدند، نه سرسپردگان شاه، بلکه نیروهای انقلابی پیگیر بودند. برای نمونه بیش از ۹۰٪ از بیست هزار آموزگار و دبیر که از وزارت آموزش و پرورش اخراج شدند، وابسته به نیروهای انقلابی، به ویژه پیروان سوسیالیسم علمی بودند. نزول فاجعه آمیز کیفیت آموزش دیستانی و دبیرستانی یکی از ثمرات این تصفیه‌های ضد انقلابی بود. اخراج نیروهای انقلابی از دستگاه دولتی، خود زمینه را برای شکل گیری دوباره

طبقه کارگرو انقلاب ملی و دمکراتیک بهمن

در قطعنامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است:

"توده‌های زحمتکش و به ویژه پرولتاریای صنعتی ایران در جریان جنبش انقلابی، خواست‌های صریح اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را مطرح کردند. روند جنبش انقلابی نشان داد که توده‌های میلیونی شرکت‌کننده در انقلاب فقط برای تغییر رویای سیاسی مبارزه نکردند، بلکه خواستار دگرگونی زیربنای هم بودند. ولی هیئت حاکمه نتوانست و نخواست مسئولیت سیاسی

اجتماعی که در برابر توده‌های زحمتکش به عهد گرفته بود، اجرا کند. انقلاب، علی‌رغم کوشش پیگیر حزب توده، ایران و دیگر نیروهای مداخله‌آمیز نتوانست به انقلاب اجتماعی فرا رویاند. انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و دمکراتیک به استبداد قرون وسطایی برای احیای نظام سرمایه‌داری وابسته انجامید." (اسناد پلنوم هجدهم - ویژه نامه "راه توده" - ص ۷)

در توضیح این حکم، نقش و جایگاه طبقه کارگر در تحولات پنج ساله پس از انقلاب بررسی می‌کنیم.

طبقه کارگر ایران در آستانه انقلاب به قدرت چشمگیری دست یافته بود. رشد سریع سرمایه‌داری وابسته در دهه ۴۰ و ۵۰ و به خصوص پس از سال ۱۳۵۲ با تکیه بر درآمد عظیم نفت، به تجزیه طبقات و رشد بیش از پیش طبقه کارگر انجامید.

مطابق آمار سال ۱۳۵۵، تعداد کارگران ایران را در تمامی رشته‌های تولیدی و خدماتی در حدود ۵ میلیون نفر می‌توان دانست. از این بین بیش از نیم میلیون نفر به عنوان کارگر صنعتی در رشته‌های صنایع و معادن و برق اشتغال داشتند.

در کنار این قدرت کمی، نقطه ضعف چشمگیر طبقه کارگر، جوانی طبقاتی بخش مهمی از آن بود. بسیاری از جوانان روستایی و پیشور که در طول این سالها به این طبقه پیوسته بودند، چه از لحاظ مادی و چه معنوی، تعلقات نزدیکی و عمیقی با خاستگاه خود داشتند.

این توده جوان، بیش از هر چیز نیاز به آن بقیه در صفحه ۴

"سود ویژه"، حق کارگران است!

هر سال، با نزدیک شدن پایان سال دلبهره کارگران شدت می‌گیرد. کارگران می‌پرسند: آیا امسال سود ما را می‌دهند؟ آیا آنقدر می‌دهند که بتوانیم گوشه‌ای از درد های درمان نشد همان را مداوا کنیم؟ یا آنکه باز امسال هم نخواهیم توانست

قانون سهیم شدن کارگران در سودکار - خانجات، یکی از مواد "انقلاب ملوکانه" بود که از اوایل سال ۴۳ به اجرا درآمد.

ادعای رژیم شاه این بود که بدین ترتیب کارگران در سود کارخانجات شریک می‌شوند و پس آن طور که بعداً گفته شد، کارگران در ازای تولید بیشتر سود بیشتری دریافت می‌کنند.

ولی در حقیقت، این مبلغ بخشی از دستمزد کارگران بود که تحت نام سود ویژه پرداخت می‌گردد.

یعنی به دلیل تورم شدید سالهای ۵۷-۱۳۵۲ و پایین بودن دستمزد ها، کارگران به هیچ وجه قادر نبودند، بدون دریافت سود ویژه، زندگی

بخور و نعیری داشته باشند. کارفرما، همراه بخشی از دستمزد کارگران را کسر می‌کرد و آن را در پایان سال، آن هم با شروطی به آنها پس می‌داد و وقتی هم برسر آنها می‌گذشت این کار چه نفعی برای کارفرما داشت؟

بدین وسیله، این بخش از دستمزد کارگران جزو دستمزد ثابت آنها به حساب نمی‌آمد و حتی در دریافت همیشگی آن برای کارگران ایجاد نمی‌کرد. کارفرما می‌توانست هر هنگام که لازم ببیند، آن را قطع کند یا کاهش دهد.

این مبلغ در محاسبه اضافه کاری، بازنشستگی، غرامت از کارافتادگی و . . . وارد نمی‌شد. چون مبالغ کم شده از دستمزد واقعی کارگران در آخر سال، یک جا به آنها پرداخت می‌شد. مسئول مالیات بیشتری می‌گردد.

کارفرما با استفاده از این بخش پرداخت نشده دستمزد ها، می‌توانست در طول سال بهره زیادی ببرد.

از این رو، "سود ویژه" و مسائل مربوط به بقیه در صفحه ۳

سوانح صنعتی در کارگاه‌ها بیداد می‌کند

پائین ترین میزان سوانح صنعتی و بیماری‌های حاصل از محیط کار را در جهان داراست. یکی از علل دستیابی به چنین موفقیتی، وجود و تلاش همه جانبه، تشکیلی های مستقل کارگری و سندیکا های کارگری در اتحاد شوروی است. حال به شرایط کار در ۱۰۰ نظر بیاکنیم و از صادر امور شاهد بیاوریم:

احمد سیاهپوش، معاون وزیر کار و امور اجتماعی در امر نظارت بر روابط کار، طی مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی می‌گوید:

"در کشور ما به طور متوسط، در هر سال حدود ۱۵۰۰۰ حادثه ناشی از کار اتفاق می‌افتد که البته این تنها مربوط به آن دسته از کارگاه‌هایی است که زیر پوشش سازمان بیمه‌های اجتماعی قرار دارند. بنا بر این، حوادث بسیار زیادی نیز در کارگاه‌های غیر مشمول این سازمان رخ می‌دهد که ما از آنها بی‌اطلاعیم و این حوادث در رقم بالا منظور نشده است." (کیهان ۱۲/۸/۲۴)

بقیه در صفحه ۲

سوانح محیط کار یا آن طور که در دنیا مرسوم است، سوانح صنعتی، یکی از شاخص های مهم شرایط کار و کارگری بوده است که میزان آن به نوبه خود انعکاسی از درجه رشد عدالت اجتماعی و مردمی بودن نظام حاکم بر جامعه است. به عنوان مثال می‌توان وضعیت سوانح صنعتی را در دو قطب دنیا کنونی در آمریکا و شوروی مقایسه کرد.

مطابق اطلاعات سازمان جهانی کار، در دهه اخیر در آمریکا، سوانح صنعتی ۲۹٪ افزایش یافته است. در این کشور سالانه ۲ میلیون سانحه صنعتی ثبت می‌شود که از این تعداد ۱۶۰۰۰ مورد به فوت منجر می‌شود. باید اضافه کرد که در کشورهای اروپای غربی نیز میزان سوانح صنعتی و بیماری‌های حاصل از محیط کار در همین سطح قرار دارد.

از طرف دیگر در اتحاد شوروی در طول ۵ ساله اخیر، سوانح صنعتی به میزان ۲۴٪ و بیماری‌های حاصل از محیط کار به میزان ۲۶٪ کاهش یافته است. اتحاد شوروی از این نظر

کارگران! به صفوف حزب خود، حزب توده ایران پیوندید!

طبقه کارگر و انقلاب ملی و...

بقیه از صفحه ۱

داشتند که تجربه مبارزاتی و آگاهی طبقاتی قوام یافته نسل گذشته به آنها منتقل نشود. خفقان حاکم بر جامعه در دوران ستمشاهی که با سرکوب شدید و طولانی طبقه کارگر و جنبش سبزه پشاهنگ آن، حزب توده ایران، همراه بود و تحمیل سنگین یکه‌های مزد توسط رژیم شاه، موجب شد تا این انتقال تجربه و آگاهی بسیار به کندی و به صورتی ناقص انجام گیرد. بنابراین عامل عمده در شکل دهی آگاهی صنفی و طبقاتی کارگران به تجربیات ملموس روزمره و مبارزات خود به خودی محدود می‌شد. این امر نفوذ عناصر و سازمان‌های غیر پرولتری را در میان این طبقه تسهیل کرد و موجب شد تا این نیروها بتوانند در آینده طبقه کارگر و انقلاب ایران نقش منفی قابل توجهی ایفا کنند.

نقش طبقه کارگر در انقلاب بهمن

طبقه کارگر همراه با دیگر طبقات و اقشار در جنبش ملی - دمکراتیک علیه نظام سرمایه - داری وابسته شرکت جست. با اعتلای جنبش نقش و جایگاه طبقه کارگر مشخص تر و موثرتر می‌شد. به طوری که در مراحل نهایی، در فاصله مهر تا بهمن ۱۳۵۷، پرولتاریای صنعتی با دست زدن به اعتصابات گسترده و سراسری ضربه مهلکی به رژیم شاه وارد آورد. در این مرحله، کارگران با خواسته‌های مشخص صنفی - سیاسی در مبارزه شرکت می‌کردند.

"در شرایط کنونی کارگران ایران مبرم ترین مطالبات صنفی خود را به شکل زیرین مطرح می کنند؛ حل مسئله مسکن برای کارگران، محدود ساختن روزکار در سراسر کشور به هشت ساعت در روز و چهل ساعت در هفته، لغو کار کودکان کمتر از ۱۴ سال، جلوگیری از واگذاری کارهای شاق به زنان، اجرای اصل دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، تعیین حداقل دستمزد بر پایه هزینه های لازم مادی و معنوی خانواده های

کارگری، ... ولی کارگران و زحمتکشان ایران که طبقه پیشرو و مولد ثروت هستند، با آن مقام اجتماعی و سوابق طولانی انقلابی، فقط به مبارزات صنفی و سندیکایی بسنده نمی‌کنند. کارگران و زحمتکشان خوب درک می‌کنند که بدون مبارزه سیاسی برای برانداختن رژیم ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه مبارزه صنفی و سندیکایی آن‌ها نیز نمی‌توانند به هدف برسند" (از پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت روز کارگر ۱۳۵۷)

اعتصاب های کارگری، کمک زیادی در جهت ایجاد شکل های طبقه کارگر نمود. کمیته های اعتصاب که در این مرحله تشکیل شدند، در بسیاری از موارد هسته های شوراهای آتی کارگری بودند.

حزب توده ایران تمام تلاش خود را در این دوره به کار برد تا طبقه کارگر با آگاهی طبقاتی و شکل های صنفی مستقل و انقلابی جهت پیشبرد انقلاب دست یابد. اعلامیه های متعدد کمیته مرکزی حزب و ۷۶ شماره تودیکه تا زمان پیروزی انقلاب انتشار یافت، موجد این گفته است:

در حالی که رهبری غیر پرولتری جنبش برای آگاهی عمیق کارگران، سازمان یافتگی آنها و اراده مستقل توده ها ارزشی قایل نبود، حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی بود که لزوم ایجاد یک استخوان بندی قوی سراسری کارگری را جهت گسترش منطقی انقلاب ضروری می‌شمرد و در جهت آن تمام تلاش خود را به کار بست. ولی به دلایلی که در پیش بر شمردیم، طبقه کارگر در مجموع، تحت تأثیر رشد رهبری غیر پرولتری قرار گرفت و در عمل مجموعه جنبش حل شد و نتوانست بهر و نشان خود را چنانکه شایسته بود بر آن بزند.

طبقه کارگری از انقلاب

پیروزی انقلاب بهمن در حقیقت پیروزی در اولین مرحله انقلاب ملی - دمکراتیک بود. توده

به عبارت دیگر اینکه هر روزه در ایران، بیش از ۳ دست و ۵۰ انگشت کارگران قطع می‌شود، مطلقاً برای مسئولین وزارت کار امر مهمی نیست. مسئله اصلی آن است که چگونه از میزان فرامتی که در مقابل به کارگران می‌دهند، بکاهند. حتی سباهش تا آنجا پیش می‌رود که از شاه انتقاد می‌کند چرا در طول سال های ۱۳۴۰ الی ۱۳۵۷ میزان این فرامت را چند برابر کرده است! افکار هذیان آلود و سیاستهای ضد کارگری حاکمان چ ۱۰ را پایانی نیست. این طبقه کارگر ایران است تا به همراهی تمامی زحمتکشان ایران ارشته این هذیانها و سیاستها را پاره خواهد کرد.

سوانح صنعتی...

بقیه از صفحه ۲

" خسارت " سازمان تأمین خدمات اجتماعی است. او می‌گوید:

" مطابق آمار سازمان تأمین خدمات اجتماعی، این سازمان صد ها میلیون ریال فرامت دستمزد ناشی از کار و نقص عضو به کارگران پرداخته و خسارتی که این سازمان در طول ۲۰ سال گذشته متحمل شده، تقریباً ۴۰ برابر گشته است " (اطلاعات ۲۴/۸/۶۲)

های مردم توانسته بودند رژیم وابسته شاه را سرنگون کنند و قدرت سیاسی را از چنگ آن برد آورند. نقش طبقه کارگر در کسب این پیروزی بسیار عظیم بود.

" با اطمینان می‌توان گفت که در میان نیرو های محرکه انقلاب کنونی کشور ما، نقش طبقه کارگر قهرمان ایران نقش درجه اول بوده است. این امر خود از ضامن های مبر گسترش باز هم بیشتر انقلاب ملی و دمکراتیک و تعمیق آن در جهت خواست های قشر های وسیع مردم است " (اسناد پلنوم ۱۶)

متأسفانه با وجود این سهم عظیم، طبقه کارگر تنها طبقه ای بود که نتوانست در حاکمیت پس از انقلاب نماینده ای داشته باشد. این امر ناشی از همان ضعف صوبی طبقه کارگر یعنی تأثیر نفوذ عناصر و سازمان های غیر پرولتری در میان این طبقه بود. این امر به عنوان یک عامل مهم در تمامی دوران پس از انقلاب، تأثیر مهمی در توازن قوا میان جنبه پیشرفت انقلاب، و جنبه تسلیم و سازش با امپریالیسم و ارتجاع بود.

انقلاب برای بقا نیاز به تدابیر داشت. تدابیر انقلاب در گرو ارتقاء آن به مرحله انقلاب اجتماعی بود. در این مرحله نقش طبقه کارگر به خصوص و دیگر زحمتکشان از اهمیت تعیین کننده ای برخوردار بود.

طبقه کارگر برای آن که بتواند نقش تاریخی خود را در روند انقلاب ایفا کند، نیازمند آن بود که در سه عرصه اصلی به مبارزه بپردازد:

- ۱- مبارزه ایدئولوژیک حول محور آگاهی طبقاتی.
- ۲- تشکیل صنفی و سیاسی مستقل طبقاتی.
- ۳- حقوق صنفی و اجتماعی.

دستاوردهای طبقه کارگر در هر یک از این سه عرصه آغشته زرفش و پیشرفت انقلاب اجتماعی است. با آنکه این سه عرصه به شکل ارگانیک به یکدیگر مرتبط بودند، ولی به دلایل متعدد، در هر یک از مراحل انقلاب، یکی یا دیگری به نیروی محرک پیشبرنده مبارزه طبقاتی تبدیل می‌شوند. ولی طبقه کارگر این مبارزه همه جانبه را نه در زمان شاه و در مقابل حاکمیت شناخته شده و مشخص بلکه در زمانی می‌بایست به پیش برد که اوضاع بسیار پیچیده و متنوعی در جامعه حکمفرما بود. طیف وسیع نیروهای موجود در حاکمیت و موضع گیری های متفاوت آنها در قبال طبقه کارگر، تلفیق مبارزه ضد امپریالیستی یا مبارزه طبقاتی، خنثی کردن توطئه های دشمنان انقلاب و ... همه و همه به پیچیدگی و بغرنجی این مبارزه می‌انجامید.

طبقه کارگر و پیشاهنگ آن، حزب توده ایران، با عزمی محکم، به خاطر ایفای رسالت انقلابی و تاریخی خود پای در این صحنه پر مخاطره نهاد.

ادامه دارد

تشکلهای مستقل و سراسری کارگری ضامن نجات دستاوردهای انقلاب است!

ایران در انقلاب بهمن

بخش سوم

دهقانان

دهقانان بی زمین عم زمین و میانه حال که هم اکنون نیز در حدود نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می دهند نقش مهمی در پیروزی انقلاب داشتند . در شهرهای کوچک ، دهقانان توده اصلی تظاهر کنندگان انقلابی را تشکیل می دادند . دهقانان در روستاهای اطراف شهرهای بزرگ در روزهایی تظاهرات به این شهرها سرازیر می شدند . بخش بزرگی از دهقانان بی زمین و کم زمین که در حاشیه شهرها ، در گودها و زرافه ها می زیستند ، از فعالین زد و خورد های خیابانی ماه های انقلاب و راهپیمایی عظیم پس از پیروزی انقلاب بودند . (ر . ک . د نیا - شماره ۲ - سال ۵۹ و گزارش هیأت سیاسی به پلنوم شانزدهم - اسناد و اعلامیه ها ص ۵۳)

تأثیر غیر مستقیم دهقانان بر سیر رویداد های انقلاب ، از طریق پیوندی که بسا زحمتکشان نیمه پرولتر ، کارگران و دیگر زحمتکشان شهرها داشتند ، و نیز از طریق پیوند با روحانیون و سیاستمداران مدافع " عدالت اسلامی " که بسیاری از آنان خاستگاه طبقاتی دهقانی داشتند ، اعمال می شد .

با گسترش و ژرف شدن انقلاب مبارزه دهقانان نیز اوج گرفت . پس از اشغال جاسوسخانه آمریکا تظاهرات پشتیبانی بسیاری با چهره دهقانان انجام گرفت . پانزدهم و بیستم سال ۱۳۵۸ ، دوره ایگیری مبارزات دهقانی بود . وزیر کشاورزی دولت موقت ، نماینده بازمانده بزرگ مالکان ایران ، آماج سنگین ترین حملات نیروهای انقلابی بود . در موارد بسیار دهقانان به ابتکار خود یا به هدایت نیروهای انقلابی پیگیر به صاد رهنه تقسیم مالک زمین داران بزرگ گردیدند . نیروهای انقلابی پیگیر ، تودهای ها ، فدائیان خلق ، مجاهدین خلق از این اقدامات پشتیبانی عملی و در مواردی آنها را رهبری می کردند . برخی از روحانیون نیز آشکارا به حمایت از این اقدامات برخاستند . در فارس که یکی از مراکز مبارزات حاد دهقانی بنسبند ، آیت الله دستغیب اعلام کرد :

" جوانان و کشاورزان نباید منتظر باشند تا دولت یا هر دستگاهی زمین در اختیار آنان قرار بدهد ، و خود باید رأسا در این مورد اقدام کنند و زمین را از دست فئودالها و زمین داران باز پس بگیرند و تحت لوای اسلام به کشت و زرع بپردازند " (کیهان ، ۱۰/۶/۶۲)

روی این موج تحمق انقلاب ، قانون اصلاحات ارضی پیشنهادی استاد رضا اصغهبانی در شورای انقلاب به تصویب رسید . آیت الله منتظری ، آیت الله مشکینی و آیت الله بهشتی این طرح را از نظر شرعی تأیید کردند . تا زمان توقف اجرائی قانون اصلاحات ارضی ، نزدیک به نیمی از املاک زمین داران بزرگ مصادره شد . ۱۰٪ از زمین ها میان دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم شد . بیش از ۲۰٪ در مالکیت دولت و نهاد های نیمه دولتی (به طور عمده بنیاد مستضعفان) قرار گرفت . تکلیف قطعی مالکیت بقیه این زمین ها (یک میلیون هکتار - به گفته نخست وزیر - اطلاعات ۲۳ آبان ۶۲) که به طور موقت از سوی شورا های کشت و زرع بسیاری موارد به صورت مشاع در اختیار دهقانان گذاشته شده است ، هنوز روشن نیست . دهقانان بهره مالکانه این زمین ها را هنوز به حساب خمس دادستانی انقلاب وارث نمی کنند . (اطلاعات ، ۱۹ دی ۶۱)

نقش زمینداران متوسط و کوچک

در آستانه انقلاب افزون بر ۹۵۰۰ زمین دار بزرگ (مالک بیش از ۱۰۰ هکتار زمین - آمار سال ۵۳ کیهان ، آبان ۶۰) که بیش از ۳/۵ میلیون هکتار از بهترین زمینها را در اختیار داشتند ، چند ده هزار زمین دار متوسط (مالک ۱۰۰-۵۰۰ هکتار زمین) و زمین دار کوچک (مالک ۵۰-۳۰۰ هکتار زمین) نیز مالک نزدیک به ۳ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی بودند . زمین داران متوسط و کوچک که اراضی خود را با شیوه های بورژوا - فئودالی کشت می کنند و یا بورژوازی تجاری و مستغلات داران شهری پیوند های سنتی دیرینه دارند ، همراه با دهقانان ثروتمند و مرفه پایگاه نسبتاً گسترده ای برای بورژوازی روستایی ایران فراهم می آورند . رژیم شاه ، حمایت اقتصادی خود را به طور عمده متوجه زمین داران بزرگ کرد . بانک توسعه کشاورزی (صندوق توسعه کشاورزی سابق) ، وام های کلان بیش از

بقیه در صفحه ۱۵

ان طی سالهای پس از انقلاب ، چندین هزار قطعه زمین را میان نظر کردگان و پشمی های دستگاه بوروکراتیک - نظامی تقسیم کرده است . در جریان نضاح وزیر کشور فاش شد که رقم واقعی - که ابتدا یازده هزار اعلام شد - بیست و یک قطعه زمین بوده است . فهرست اساسی دریافت کنندگان زمین تحت عنوان " تعاونی سحر " از سوی مخالفین دولت انتشار یافت . اساسی بخش بزرگی از زمینها ، میان و نجیبان جمهوری و از جمله دو تن از نامزد های اخیر وزارت در این رست به چشم می خورد . اگر قیمت هر قطعه زمین را فقط نیم میلیون تومان اسبه کنیم روشن می شود که یک تلم میلیارد ها تومان رشوه برای " تربیت مدیر خون " پرداخت شده است . این ارتشاء سازمان یافته چگونه شکل گرفته است ؟

نخست وزیر توضیح می دهد :
" به خاطر اینکه آن موقع نیروهای روشنفکری ، روی نمی آوردند به خاطر بالنتشان (؟) به سمت روزنامه ج ۱۰ " برای عدای " نامه آمده که ایا شما ن نمی خواهید ، احتیاجی ندارید ، شما به مسکن نیاز ندارید . خوب تیب ها قضع هستند می گویند چرا نمی خواهید " (سخنرانی نخست وزیر در لس - ص ۱۰۱ - ۸ شهریور ۶۲)

روشن است که اساسی چندین هزار روشنفکر (تحصیل کردگان غرب گرای اروپا ، آمریکا) ، و " خجالتی " (فرصت طلب) و " مستضعف " (پهل پرست و متعصب و خوار) جز از طریق مجاری رسمی و حزبی در سطح رهبری حزب ج ۱۰ نمی نسته است . در اختیار حاکم شرع شهرداری تهران قرار گیرد . چنین است ستان " تربیت مدیر " ، با رشوه و یا زمین !

گسترش فساد و اختلاس در دستگاه دولتی که یکی از شاخص های پیدایش ژواری بوروکراتیک است ، اینک پدیده شناخته شده است . علاوه بر ماجرای تعاونی سحر " ، استیضاح وزیر کشور ، بازرسی در بنیاد مستضعفان و سازمان ست تبریز و . . . نمونه های درشت دیگری را بر سر زانها انداخته است . بوروکرات های راستگرا و غرب گرا امروز در حزب ج ۱۰ ، و از این مجبورا در نگاه دولتی و در هیأت دولت ، اهرمهای نیرومندی در اختیار دارند . آنان اتحاد با حجتیه گرایان ، و جناح بازاری در حزب و دولت ، رهبری دستگاه رایی را در اختیار دارند . گروهی از رهبران بورژوازی بوروکراتیک نویسن در بی جمهوری اسلامی و دولت ، در اطراف نخست وزیر و گروهی در اطراف وزیر رجه گرد آمد ماند . اما نیروهای اصلی از طریق فعالین جناح دکتر آیت در پج ۱۰ ، که اغلب مریدان و شاگردان قدیم آیت الله کاشانی و دکتر بقایی انی محسوب می شوند (جاسوسی - زورهای) ، زیر پرچم رئیس جمهور گورد ، مانند همین تحولات در دادستانی های انقلاب و در رده های بسیار لای انده مان سپاه و ارتش در جریان است . این رهبران نهای بورژوازی بوروکراتیک ، بیعت اقتصادی و سیاسی برنامه ریزی و نظارت بر باز سازی نظام کلان سرمایه ری و زمین داری بزرگ وابسته را به عهده دارند .

سیاست اقتصادی دولت ، که برنامه پنجساله اول خطوط ایجابی آن را ترسیم - است - آئینه گرای بهیله بورژوازی بوروکراتیک نوین به راه سرمایه داری ، و بیم مناسبات وابستگی آمیز با اردوگاه امپریالیسم است . در این برنامه سهم ش. خصوصی برای سرمایه گذاری در صنعت و معدن ، نسبت به زمان شاه ۲ درصد زایش یافته است . تجربه نمان داده است که بخش اعظم این سرمایه گذاری ها رف توسعه صنایع مونتاژ و تولید کالاهای مصرفی کم دوام می شود . (راه نوده باره ۵۹)

فعالیت بخش دولتی در صنعت در اساس حفظ و باز سازی وضع موجود - باز تولید تصاد وابسته - است . مهم ترین طرح های در دست احداث دولت ، ادامه کاری وژه های پر خرج و وابستگی آفرین رژیم شاه (پتروشیمی ایران و ژاپن - فولاد ازی مبارکه ایران و ایتالیا - خودرو سازی ایران - تالابوت انگلیسی) است . در بخش کشاورزی بورژوازی بوروکراتیک ، با تسلیم به منافع زمین داران ، راه سد بد بحران اقتصاد کشاورزی را برگزیده است . افزایش بی سابقه سود و واردات محصولات کشاورزی و مهاجرت تودهای روستاییان تهدید است از نمود های این نگران است . در برخی زمینها ، از جمله در زمینه حدود و دامنه فعالیت بخش ولتی ، هنوز میان بوروکرات های غرب گرا ، و نمایندگان کلان سرمایه داران توافق مل پدید نیامده است . اما در مجموع بورژوازی بوروکراتیک در اساسی ترین سطوح ، منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را دنبال و برآورده می کند .

بیدادگاههای ج.ا.د. و پاس و مدارکی

بقیه از صفحه ۴

دی-تسایت - ۱۱ تیر ۶۲ - در رابطه با حضور وکیل مدافع در دادگاههای ج.ا.د. گفته است:

آن کسی که خواهد وکیل مدافع باشد... هیچ کسی نمی خواهد در این خائن و ترورستان دفاع کند... (توضیح: ج.ا.د. برای دفاع و جرم ندارد... البته هیچ یک از سردمداران ج.ا.د. از این که بیاورند و بکشند... این حقوقی و قانونی خود جرم ندارند و همه ای ندارند... در پی اعتراضات گسترده و شدید تیر و های حقوقی ج.ا.د. که مسئولان ج.ا.د. را وقت اشک به حضور پارهای از خبرنگاران خارجی در یک صحنه نمایشی از برگزاری این بیدادگاهها تا تن در دهند ، روزنامه ج.ا.د. نوشت و اعلام کرد... اخیرا پس از آنکه خبرنگاران خارجی در دیدارگاه... شرکت کردند رسانه های خارجی به بی نهایت گیری شکست خورده و بی بهانه در بیان وکیل مدافع می گردند (۱۰ خرداد ۶۲) دی-تسایت

تداوم حقوقی دادگاههای نظامی

ظافوت

سردمداران ج.ا.د. بارها از اینکه به عمل و نحوه دستگیری ، اعمال شکنجه ، چگونگی مراحل بازجویی و بازرسی توده های دارند که به همت سرایان گنام و پاسکام ج.ا.د. صورت گرفته ، ایشا شیدا ، اذعان دارند که این بیابطن سرسردمداران فرزندان خلف سنا و لاندن از اسلاف خود و خود چیزی نمی دارند... آنچه سردمداران گناهانی نظامی ج.ا.د. گذشت به روشنی نشان داد در محکمه های فرمایشی ج.ا.د. نیز همان روحی حاکم است که در بیدادگاه های رژیم طاقت جولان می داد . در واقع ، به جرأت می توان گفت دادگاههای نمایشی ج.ا.د.

و قتل قلمه... به تاهی کشاند ، یعنی همان قوانینی که بهترین سوابقهای مبارزاتی میهن را با چنین جنس زشتی ، البته و خوب نیست که بیدادستان ج.ا.د. همسایه مقام انتقام گیری به جای ساوکیان معدوم و فعال برآید و در کفر خواست خود برای... در تشکیلات مخفی نویت ، همه جرم " تجسست مسئولیت داشتن تشکیلات نوید در مارتدوران " و به جرم " تحت مسئولیت داشتن چند کارگر توده های... قبل از پیروزی انقلاب... اشید مجازات تقاضا کند .

این هم گویگی باستدالات ، استناد های تکیه بر قوانینی که جزندار جنبه ترسناک بخشیدن به استبداد و ظلم و خفقان وضع شده و تقاضای " حکم شرعی " کردن برای متهمینی که جرم شان به جاسوسی و براندازی و مبلزها می باشد و یا میراثسیم است ، تنها هنگامی محلی برای ترحم خود می یابند که در بیدادگاه های ج.ا.د. همان اهدای بی تیری شود که محاکم نظامی رژیم شاه دنبال می کردند . از این روست که باید نتیجه گرفت : محاکمات فرمایشی افسران آزادی خواه و برخی از فعالین حزب توده ایران ، تداوم حقوقی بیدادگاههای نظامی

حزب توده ایران... به جز لوایم الکتریکی که به ما نشان دادند و سلاح های که پیدا کردید چه مدرک دیگری داشتید ؟ رئیس دادگاه و " مدرک یا لوری که آنها برای خودشان داشتند ، مدارکی که در رابطه با دستگیری این حزب وجود داشت ، مدارک اطلاعاتی است که قابل مطرح کردن نیست و این لوایم هم غیر از این لوایم الکتریکی و اسلحه ، ظاهرا چیز دیگری که قابل مطرح کردن باشد ، نبود " (اطلاعات ، ۲ بهمن ۶۲)

حزب توده ایران... به جز لوایم الکتریکی که به ما نشان دادند و سلاح های که پیدا کردید چه مدرک دیگری داشتید ؟ رئیس دادگاه و " مدرک یا لوری که آنها برای خودشان داشتند ، مدارکی که در رابطه با دستگیری این حزب وجود داشت ، مدارک اطلاعاتی است که قابل مطرح کردن نیست و این لوایم هم غیر از این لوایم الکتریکی و اسلحه ، ظاهرا چیز دیگری که قابل مطرح کردن باشد ، نبود " (اطلاعات ، ۲ بهمن ۶۲)

روشن است آنچه که خشم صحنه گردانان این " محاکمات " را بزرگنمونه گزارشاتی است که خبرنگاران از جریان بیدادگاههای نظامی ، به سراسر جهان مخیره کرده اند . این رسانه ها ، یک صدا از وضع بد روحی و جسمی متهمین که " پارهای حتی قادر به تکلم نبودند ، خبر می دهند و بر این حقیقت صحنه می گذارند که آنان اتهامات خود را مبتنی بر " جاسوسی " و " خیانت " رد کرده اند ، تنها این نکته است که کارگزاران

حاکمیت ج.ا.د. را به برخاش واداشته و سبب شده است به این دلیل که گویای سخن پرانگی غریب که بیش از ۹۸٪ منطرح خبری همین روزنامه های ایران حرکت می دهند ، خردی بگیرند . ظاهرا آنها فراموش کرده اند که حضور وکیل مدافع در بیدادگاه ، نص صریح قانون اساسی است و در اصل سنی و ترحم این قانون بر آن تاکید شده است . (Lakelot 17)

جالب اینجاست که در این بیدادگاهها ، نه تنها جای وکیل مدافع ، حقوق دانان ایران و نمایندگان هیأت های داوطلب جهانی ، خبرنگاران خارجی ، اعضای خانواده های " متهمین " خالی بود ، بلکه کارگزاران ارتجاع از پذیرش به اصطلاح خبرنگاران داخلی ، نیز که بارها و در گزارش های متعدد خود ، حدس سردرگمی شان را به حکام ج.ا.د. تسلیت کرده اند ، صریحا و زبانه روزنامه ج.ا.د. ۱۷ دی - به روشنی تیر و های تکیه بر تأکید می گذارند ، به ما می گویند : " تاکنون جلسات زیادی از محاکمات اعضای حزب... شروع شده است... خبرنگاران داخلی نیز از این جلسات پوشش خبری داشته اند "

چیزی جز تداوم حقوقی بیدادگاههای رژیم شاه نیست... به همین دلیل ، ارائه کیفرخواست است و دفاعیات در این بیان ج.ا.د. توجه کنیم... سرهنگان تکیه دادستان ج.ا.د. ، چون

دانشگاه های باگون دار طاقتی ، ابتدا در " مذمت " مادیت " و " ماد یون " شرح میسوطی داد و برای مستند کردن گفتار خود ، به همان تاریخی استناد جست که " بختیار " در " کتاب ستاره " ش به نگارشی در آورده بود . سپس قیام کلش قتی خان پشیمان و افسران هم رژیم او را با عنوان " شورش " باطل کرد و بر تاریخ مبارزات مردم فای مردم ایران ، یکسره خط قرمز کشید . و سرانجام به آن جا رسید که برای " قانونی جلوه داد و کیفرخواست خود ، همانند امیران نظام جاسوس آمریکا و بازگان نخست وزیر محبوب دولت بعد از انقلاب ، به " قانون گذشته که

حزب افسران آزادی خواه و فعالین حزب توده ایران چیست ؟

شاه است و همان رسالت شومی را بر عهده دارد که زمانی ارتجاع شیاه بر دشمن کتر احمدی ها و مختاری ها و از موده ها ، گذشته بسود . در محاکمات نظامی رژیم شاه دنبال می کردند . از این روست که باید نتیجه گرفت : محاکمات فرمایشی افسران آزادی خواه و برخی از فعالین حزب توده ایران ، تداوم حقوقی بیدادگاههای نظامی

در زمان ارتکاب عملیات شما حکومت داشته استناد کند ، یعنی همان قوانینی که مردم ما برای مغضوب و دین آنها بیاخواستند و اولین شعار های انقلابی خود را در نفی و بطلان آن ها سردادند : " زندگی سیاسی ، آزاد باید کرد " یعنی همان قوانینی که ساواک بیلستاد به آن ها ، بهترین فرزندان این سرزمین و بهترین سال های عمر آنان را ، در سیا هجالی های اوین و کمیت

پیداگاههای ج.ا.، براساس "مدارکی..."

بقیه از صفحه ۱۰

اجتماعی برای " مستضعفین " را نه به معنای بازگذاشتن دست کارفرمایان و میدان دادن به بخش خصوصی و " بازار " نه به معنای بیرون راندن هزاران دهقان محروم و زحمتکش از زمین خود، نه به معنای تحمیل ویرانی ها و ناپسندمانی های جبران ناپذیر ناشی از جنگ، نه به معنای گرانی، نه به معنای احتکار، نه به معنای سرپناهی و ... درک و تلقی می کنند، به محاکمه کشیده شده اند. آنان به جرم مخالفت و ناسازگاری با سیاست های اسارت آور آزادی - کثرت و نافی عدالت اجتماعی ای که سردمداران ج.ا. در پیش گرفته اند، محکوم می شوند. آنان به خاطر آنکه عقاید، نظرات و اندیشه های جز آنچه حاکمان ج.ا. دارند و مجاز می شنوند، محکوم اند البته پرونده سازی آشکار و محاکمه بر اساس چنین " جرائمی "، اعتراض و نفرت گسترده تر و یکپارچه همگان را برمی انگیزد، از این رو صحنه گردانان این نمایش شوم، یک سره خدمات و آرمانهای میهن دوستانه آزادخواهان و عدالت جوینان، خوب توده ایران را زیر پرده " سیاه خیانت و جاسوسی " کشاندند و پایه ها دعا ها، استدلالات و دلایل خود را بر باور هسلای مذہبی و اعتقادات شخصی توده ها، استوار ساختند و هر جا که دیگر نفی واقع امر ممکن نبود، و هر جا که صداقت و خلوص پیروی از آرمانهای مردمی آنان انکار ناپذیر بود، به حربه " دین "، " پروردگاز "، " مذهب "، " نیروی " اسلام " متوسل شدند و " متهمین " را " سر جای خود نشانند ".

دفاعیات دادستان حکام ج.ا. از کیفر - خواست خود، تماما با چنین مضمونی تنظیم شده. او با صدور احکامی چون: " شعارهای عدالت اجتماعی اسلام، در بر گیرنده عالی ترین مضامین است "، " ... حزب توده که اهدافش مشخص است که ضد اسلامی است ... بهترین پناهگاه برای مستضعفین و مظلومین، اسلام و روحانیت است ... نه حزب توده "، " تمامی گذشته، خدمات و آرمانهای حزب توده ایران را نفی می کند. و از این رهگذر " خیانت " و " قصد " براندازی " اعضا " را نتیجه می گیرد. اینکه افسران میهن دوست و برخی از فعالین حزب توده ایران را تنها به جرم داشتن عقیده ای جز آنچه که رهبران ج.ا. می پسندند، دستگیر و مجازات می کنند، امری نیست که تنها از خلال گزارشات ناقص جریان برگزاری پیداگاهها بتوان دریافت. آیت الله مشکینی با زیر پا گذاشتن قانون اساسی ای که روزی خسودرا مدافع آن اعلام می کرد، چند روز پس از یسورش خونین به حزب توده ایران و پیش از آنکه موارد جرم و کیفر خواست روشن شده باشد، در نماز جمعه اعلام کرد:

" يك جمله و سخنی با برادران عزیز ... برادران محتسرم ... باید در اینجا قاطعیت به خرج دهید ... زیرا آنها با خدای ما ضدند ... بیش از همه کس ضد خدا را، بیشتر دشمن داریم ... " (ج ۱۰ - ۲۴ اردیبهشت) .
و در همین روز، آقای صانعی، دادستان تصریح می کند:

" هنوز کیفر خواست صادر نشده است و احکام ابتدا در مجلس تصویب شده و آنها محارب هستند ... " (ج ۱۰ - ۲۴ اردیبهشت) .
این نکته را هم چنین، می توان از گفتار صریح و خود افساگر حجت الاسلام ری شهری، هنگامی که آغاز یورش آشکار به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را اعلام کرد، به روشنی دریافت: " حجت الاسلام ری شهری در مورد اهداف مشربک چریکهای فدائی خلق اکثریت و حزب توده گفت: همسوئی آنها با یکدیگر حاکی است، منشاء فکری و علمی آنها از یکسوی ناشی می شود و این همسوئی برای غیرقانونی

پیشاپیش " متهمین " را به مثابه مجرم کافر، محکوم می کرد. آقای دادستان سخنان آیت - الله خمینی را که گویا باید در حکم قانون تصویب شده و از " توضیح " شورای نگهبان گذشته تلقی کرد و چون " امری مطاع " که حدود و شمولش بی انتہاست دانست، در برابر دفاع " متهمین " از آرمانهای عدالت جوینان خود قسار می داد و آنها را متکوب می ساخت تا آنجا پیش رفت که گردن نهادن یا استنکاف از این سخنان را معیار " انقلابی " و ضد انقلابی بودن، خواند:

" اگر شما انقلابی هستید، چرا پیام رهبر انقلاب را گوش ندادید ؟ "

آقای دادستان که تاریخ را به قبیل از پیام آیت الله خمینی و بعد از پیام او تقسیم می کند، به عنوان کسی که قدرت ستاندن داد محرومان به او تفویض شده، باید بداند بر پایه " چنین استدلالی، پیش از آنکه افسران میهن دوست و فعالین حزب توده، ایران بر جایگاه " متهمین " نشانده شوند، باید مجموعه " هیئت حاکمه " ج.ا. را محاکمه و محکوم کرد. زیرا آنان نیز، به طور یکپارچه پیام های دیگر آیت الله خمینی را - در روزگاری که هنوز نسبت به حمایت محرومین، نه حمایت قرب



نیازی احساس می شد - از جمله: " سند، دستهای پینه بسته " دهقانان است " زیرا پا گذاشتند و مطلقا به آن وقعی ننهادند " .
روشن است که چنین " دادگاهی "، بسا این ویژگیها، اهداف و رسالت، مطلقا قادر نیست سود و صلاح مردم محروم و آرمانهای انقلاب را در نظر گیرد. از این رو این محاکمات فرمایشی، نزد هر کس که نسبت به موازین انسانی، اخلاقی، قانونی و حقوقی ذره ای تعهد و پایداری - بندی داشته باشد، فاقد ارزش و اعتبار، و محکوم است.

اعلام شدن این سازمان، کافی به نظر می رسد ... (اطلاعات ۲ بهمن) .
از نظر حکام ج.ا. داشتن عقیده ای مستقل با حفظ و رعایت احترام نسبت به آراء و باورهای مذہبی توده مردم، " ضدیت با اسلام " تلقی می شود و سزاوار شدیدی ترین مجازاتهاست. این حکم هنگامی که زیر عنوان " فرمان آیت الله خمینی نوشته می شود، قطعیت تغییر ناپذیری کسب می کند. در کیفر خواست تنظیمی دادستان پیداگاههای نظامی ج.ا.، این مورد یکی از " اسناد " و " مدارک " غیر قابل انکاری بود که

در هفته ای که گذشت:

تأمین خواست مردم

اعمال سیاست امپریالیسم؟!

در هفته گذشته، حکام ج ۱۰ و نیز انجمنه و جماعات در سخنرانی‌ها، گفتگوها و مراسم نماز جمعه در رابطه با "مسئله جنگ"، مضمون جدیدی را مطرح و تکرار کردند که از قسود سیاستگزاران ج ۱۰ مبنی بر پایان دادن به جنگ حکایت می‌کرد. آنان با تأکید اعلام کردند که: "ما می‌خواهیم جنگ را تمام کنیم و کسار را یکسره نمائیم" (رئیس مجلس - اطلاعات اول بهمن).

بی‌شک ناراضی گسترده و اعتراضات مردم که در زیر فشار اثرات و پی‌آمدهای طاقت فرسا و ویرانگر این جنگ غیر ضرور به جان آمده‌اند، قطعی‌ترین نقش را در تبیین این تصمیم داشته است. آنان به حق از ادامه جنگی که تنها به سود امپریالیسم و سرمایه‌داران بزرگ و عمال ارتجاع است به تنگ آمده‌اند و ناراضی عمیق خود را در اشکال گوناگون از جمله برگ‌زاری تظاهرات - به ویژه در شهرهایی که به میدان جنگ بدل شده - آشکار می‌سازند. رهبران ج ۱۰ نیز که هنوز با بهره‌گیری از رادیکالیسم لفظی خاص خود، حمایت زبانی از خواستهای مردم را ترک نکرده‌اند ناگزیر و به منظور کاهش دادن شدت ناراضی‌های مردم از تأمین منافع آنان دم می‌زنند و خواست به حق و گسترده مردم را مبنی بر پایان دادن به این جنگ بی - سرانجام، خواست خود نیز قلمداد می‌کنند و لنی برای برآوردن آن، تنها به شیوه و نظر تشنج فزاینده و امپریالیسم پسند خود تکیه می‌کنند. همین روست که "یکسره کردن کار رادیکال" نشاء الله لوله نفت شمال عراق را هم می‌بندیم" و بسیج نیروها در جنوب غربی کشور و تدارک حمله‌های گسترده "در روزهای آینده" معنی می‌کنند.

به دنبال این تهدیدات، عراق هم به اجرای مانور هوایی دست زد و در چند روز گذشته، هواپیماهای عراقی در یک زمان، آسمان تهران و ۱۷ شهر دیگر کشور را به جولانگاه های خود بدل کردند و دیوار صوتی را شکستند.

ناگفته پیداست، پی‌آمدهای ویرانگر این تهدیدات جنون آمیز و قدرت نمائی‌های تجاوز - گرانه، تنها دام‌گیر مردم محروم و ملت هسای صلح دوستد و کشور ایران و عراق خواهد شد.

استقرار موشکهای پرشینگ-۲ در ترکیه، پاکستان و عربستان سعودی

آغاز فعالیت دوباره "پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمان" که شعبای از پیمان نظامی سنتواست، با رویدادهای جدیدی در منطقه همراه شده است.

در هفته گذشته مطبوعات هند، در رابطه با استقرار موشک های اتمی پرشینگ ۲، در پاکستان - یکی از سه کشور عضو این پیمان - مطالبی منتشر ساختند که از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا برای تحکیم مواضع نظامی خود در خاورمیانه و بخش غربی اقیانوس هند، پرده برمی‌دارد. در همین رابطه خبرگزاری‌های جهان اعلام کردند که بخش اعظم "مبلغ ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلاری" که (آمریکا) در اختیار پاکستان گذاشته ۰۰۰ برای افزایش قدرت نیروهای واکنش سریع آمریکائی و ارتش پاکستان در نظر گرفته شده است.

دولت ترکیه نیز که در عین عضویت در پیمان، آنلان تیک شمالی - ناتو - به مقام دبیر اولی "پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمان" هم انتصاب شده، به همین میزان در گسرداب وابستگی به امپریالیسم آمریکا فرو رفته است، روزنامه "اطلاعات" می‌نویسد:

"کل ارقام وام‌های پرداختی در سال ۸۲-۸۳ به دولت نظامی ترکیه، بالغ بر ۷۵۰ میلیون دلار بوده که ۳۵۰ میلیون دلار آن را کمک‌های اقتصادی و ۴۰۰ میلیون دلار دیگر را کمک‌های نظامی تشکیل می‌دهد. میزان وام‌های اعطائی آمریکا به ترکیه پس از روی کار آمدن ژنرال‌ها و به دست گرفتن حاکمیت در ترکیه، شدیداً افزایش یافته ۰۰۰".

این روزنامه، همچنین می‌نویسد: "فرمانده نیروی زمینی آمریکا به منظم‌بور دیدار چند پایگاه نظامی و گفتگو با مقامات نظامی ترکیه وارد آنکارا شد" (اطلاعات، ۲۹ دی).

هم چنین، چند ی پیش‌هیئت نمایندگی

حزب کمونیست ترکیه در هفتمین کنگره - حزب کمونیست آلمان فدرال اعلام کرد که آمریکا با ن سازی و تأسیس پایگاه‌های نظامی جدید قصد دارد موشک‌های پرشینگ ۲ و موشک‌های کروز در خاک آن کشور مستقر سازد.

علاوه بر این دو کشور، آمریکا در نظر دارد، کشور مرتجع و سرسپرده "دیگری چون عربستان سعودی را نیز در محاسبات خود داخل کند. روزنامه "المستقبل چاپ قبرس می‌نویسد:

"عربستان سعودی اعلام کرده است که دولت‌های اروپای غربی تحت فشار اتحاد شوروی موشک‌های پرشینگ آمریکائی را از کشورهای خود خارج سازند، عربستان سعودی حاضر است این موشکها را در خاک خویش مستقر نماید به نوشته "همین روزنامه طی ۴ ماه گذشته تماس‌هایی به درخواست آمریکا بین آن کشور عربستان برقرار شده است. از سوی دیگر مخالفت‌های شدیدی که در اروپا علیه استقرار موشک‌های پرشینگ ابراز شده، آمریکا را بیشتر از پیش برآن داشته تا این موشک‌ها را در عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان نیز مستقر سازد. در چنین شرایطی، رهبران ج ۱۰ دست "ابتکار" می‌زنند و پیمان "همکاری منطقه‌ای برای عمان" را که از بدو تشکیل، به توصیه امپریالیسم آمریکا پا گرفت و در ارتباط با پیمان سنتو قرار داشت دوباره احیا می‌کنند.

"شوراهای کشت" هم منحل شد!

مرتضی مقتدائی، عضو و سخنگوی شورای عالی قضائی، در یک صاحب مطبوعاتی اعلام کرد: "مقرر شد کار شوراهای کشت، به عهد هیأت‌های ۷ نفره واگذار شود و با توجه به بخشنامه‌های صادره از سوی شورای عالی قضائی در مورد زمین‌هایی که از سال‌های ۵۸ و ۵۹ هجری ۶۰ در استان کردستان، توسط نهادها هیأت‌های ۷ نفره و محاکم زمین اخذ نمودند، طبق موازین شرعی و عرف محل اقدام شود (اطلاعات - ۲۹ دی).

شورای‌های کشت که طبق گفته سخنگوی شورای عالی قضائی منحل اعلام شده، نهادی مردمی بود که پس از انقلاب زمین‌های مصادره شده، در اراضی‌ای که طبق مصوبه شورای انقلاب تقسیم شده بود و نیز زمین‌هایی که دهقانان در روزهای انقلاب، خود در اختیار گرفته بودند، به روستائیان واگذار می‌کرد تا به طور موقت و تا تعیین تکلیف مالکیت این اراضی توسط بقیه در صفحه ۱۳

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

مراجع صلاحیت دار به کشت و داشت و برداشت بپردازند - این شوراها در پی درگیری ها و موافقی که به اصطلاح مالکین زمین ایجاد می- کردند و اراضی قابل کشت و دایر را به انگیزه پائین آوردن سطح کشت و ضربه زد به انقلاب به اراضی بایر بدل می ساختند، تشکیل شد و با اقدامات انقلابی خود که موافق منافع روستائیان بود، گام های مثبتی در جهت حفظ دستاورد های انقلاب برداشت - این شورا از بدو تشکیل با مخالفت ها و کارشکنی های "خان-ها" و نمایندگان آنان در حاکمیت روبرو بود -

شورای عالی قضائی، با انحلال این شوراها که در ادامه اقدامات "مالک" پسندانه حاکمیت ج ۱۰ مبنی بر به خاک سپردن قانون اصلاحات ارضی و به دنبال آن تبدیل نهاد جهاد سازندگی به "وزارت خانه" و تضعیف هیأت های ۷ نفره و دعوت از "خان" ها برای بازگشت به میهن صورت می گیرد، مواضع ارتجاعی زمین داران بزرگ را در حاکمیت تحکیم می - بخشد -

این اقدامات، همانگونه که بدون پیش زمینه انجام نگرفته، بدون "دورنا" هم نخواهد بود: دیری نخواهد گذشت که "سخنگوی" دیگری خبر انحلال هیئت های هفت نفره را در مصاحبه مطبوعاتی دیگری اعلام کند!

جنگ، بیکاری، آوارگی

اخراج کارگران در دوران پنج ساله پس از انقلاب، همواره یکی از واقعیات دردناک جامعه ما بوده است. حاکمیت به جای پشتیبانی از کارگران، خود به عامل اخراج آنها تبدیل شده

است. ارتجاع حاکم بر میهن ما، از سوی کارگران را به صلح می فرستد تا با خون آنان انحصارات نظامی جهان را سیراب کند و از سوی دیگر دست سرمایه داران و مدیران داخلی را باز می گذارد تا کارگران بازگشته از جیب ه ها را اخراج کنند - ابعاد فاجعه آنقدر وسیع است که قائم مقام وزارت کار مجبور شده است تا مسئله "جانبداری از کارگرانی که برای مدتی به جیبه ها می روند" را مطرح سازد و بدین شکل عوام فریبی کند:

"نیاید این کارگران به هیچ وجه دلواپس از دست دادن کار خود باشند" - واقعیت آنست که کارگران در ج ۱۰ نه تا مین کاری دارند، نه تا مین جانی، این امر به خود کارگران محدود نشده، دامنگیر خانواده آنها نیز می شود:

طبق قانون چنانچه کارگرانی که به جیبه می روند کشته یا معلول و از کار افتاده شوند، باید مقرری در حق خانواده مشان پرداخت گردد. ولی واقعیت این است که در این موارد چیزی جز در به دری و آوارگی نصیب این خانواده ها نمی- شود - بنا به اعتراف سیاهپوش، معاون نظارت بر روابط کار وزارت کار مشکلات ناشی از اجرای تبصره ۸ ماده ۱۰ واحد ۱ مصوبه مجلس شورا، پیرامون مستمری متعلقه به خانواده شهید و معلولین کارگری جنگ "آنچنان بزرگ است که برای حل آن وزارت کار ناگزیر شده است دست به اقداماتی بزند -

ترکیب جالبی است! مجلس به اضافه شورای نگهبان سرمایه داری برای کارگران و خانواده مشان "مشکلات" ایجاد می کنند تا وزارت کار برای حل آنها جلسه تشکیل دهد! در این میان تنها خانواده های کارگران هستند که بدون آشنایی با کاغذ بازی اداری، باید ساعتها در مثلث کارفرما - وزارت کار - سازمان تا مین اجتماعی آواره شوند!

توطئه سرکوب سازمان فدائیان خلق ایران...

بقیه از صفحه ۲

مجاهدین خلق ایران و حزب توده ایران کوشش کردند سیاست "سرکوب اعلام نشده" سازمان فدائیان خلق را پیش برند - آنان تصور های تحقیر و مراقبت برای نابود کردن رهبری و کادرهای سازمان پهن نمودند ولی دیدند که با فداکاری و هوشیاری همه اعضا و توده ساززینی موفق نشدند توطئه رذیلانه خود را عملی کنند -

"حکومت اوپسن" و سازمانهای سرکوب جمهوری اسلامی، مشتمل کننده ترین شگرد ها را به کار گرفتند - آنان آزار و اعمال فشار بر خانواده اعضای رهبری و کادرهای سازمان را گسترش دادند و عد های از اعضا و کادرهای سازمان را که از دو سال قبل در بازداشت نگاه داشته بودند به زیر شلاق کشیدند - اکنون چندین ماه است که رفقای ما را در سلولهای اوپن شکنجه می کنند -

رهبران جمهوری اسلامی که اینک به جای عمل به وعده هایی که به مردم زحمتکش میهن ما داده بودند به آرمانهای مردم پشت کرد ماند و سیاست سرکوب وحشیانه همه نیروهای انقلابی را در پیش

زدو بند های پنهان حکام ج.ا.را با امپریالیسم جهانی افشاء کنیم!

در پی فراخوان "راه توده"، مبنی بر ارسال اسناد و اخباری که مناسبات پنهان و روز افزون حاکمیت ج ۱۰ با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را افشا می کند، اخباری برای ما ارسال شده است که از این هفته به درج آنها می پردازیم -

مجله نیوزویک تحت عنوان "روابط تجاری بین ایران و ایالات متحده افزایش می یابد" نوشته است:

"علی رغم تنش های سیاسی موجود، روابط تجاری بین ایالات متحده آمریکا، بازگشت جهش آسانی را آغاز کرده است. بین سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۰، سالهای تکوین انقلاب ایران و تسخیر سفارت آمریکا در تهران، سطح روابط تجاری از ۱/۶ میلیارد دلار به ۴۸۱ میلیون دلار نزول کرد - این جریان اکنون به تدریج سیر عکس را در پیش گرفته است. در طول ده ماه اول سال ۸۲ بیش از یک میلیارد دلار کالا بین دو کشور مبادله گردیده است. و اگر معاملات غیر مستقیم ایران را که از طریق واسطه های ثالث انجام شده به حساب آوریم، این رقم به بیش از دو برابر رقم بالا بالغ خواهد شد -

با افزایش تولید نفت ایران، و بهبود وضع اقتصادی کشور، صادرات کنندگان آمریکایی می توانند در انتظار موج فزاینده و مداوم این جریان باشند، زیرا: ایران هنوز در قید وابستگی های گذشته خود است. خرید های عمده ایران عبارت از قطعات یدکی و ماشین آلات مورد نیاز برای صنایع و پایگاه های نظامی احداث شده در طول دهه هفتاد، سالهای اوج سرمایه گذاری های آمریکا در ایران، می باشند -

شایان توجه است که این خبر در قسمتی از

مجله نیوزویک (۹ ژانویه ۸۴) درج شده است که اطلاعات و امکانات موجود در دنیا را به

تجار و سرمایه داران آمریکایی معرفی می کند - "راه توده" با تشکر از همکاران خود خواهان همیاری هرچه بیشتر همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه در انجام این وظیفه انقلابی است -

**برقرار باد اتحاد همه نیروهای
ضد امپریالیستی و دمکراتیک
ایران در جبهه متحد خلق**

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور
شنبه اول بهمن ۱۳۶۲

دست امپریالیسم آمریکا از آبهای خلیج فارس کوتاه!

معامله بر سر منافع ملی در لباس پر خاشگری دروغین

بقیه از صفحه ۱

عربستان سعودی و کویت، در چهار چوب عملیات نظامی مشترک کشورهای عضو پیمان امپریالیستی " شورای همکاری خلیج " ادامه دارد .

صف آرایبی نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس و در مرزهای دریایی میهن ما نیز همچنان ادامه دارد . فرماندهی نیروهای واکنش سریع

در عرشه یکی از رزمناوهای آمریکایی که در نقش ژاندارم بین‌المللی مرزهای آبی میهن ما را در می‌نوردند، تشکیل شده است .

طی سالهای پس از پیروزی انقلاب، آمریکایی‌ها هیچگاه با چنین گستاخی خیره سرانه‌ای استقلال و حق حاکمیت مردم ما را تهدید نکرده‌اند و زمامداران ج ۱۰ نیز با چنین زبونی تسلیم - طلبانهای در برابر این قدرت نمایی‌ها سکوت پیشه نکرده‌اند .

هفته گذشته خبر گزاریهایی جهانی از قتل مقامات آمریکایی گزارش دادند که گویا خلبانهای ایرانی قصد دارند طی عملیات انتحاری با هواپیماهای کوچک به رزمناوهای آمریکایی حمله کنند .

دولت آمریکا به صراحت اعلام کرده که برای جلوگیری از این اتفاق دست به عملیات پیشگیرانه خواهد زد و از جمله پایگاه‌های نظامی ایران را هدف حملات موشکی قرار خواهد داد .

در این مورد رادیو مسکو در تفسیر خود (۷ بهمن ۶۲) با اشاره به تأیید ریگان در مورد وجود نقشه " ضربه موشکی به پایگاه نظامی ایران " در سواحل شمالی خلیج فارس، بر جدی بودن این تهدید

تأکید ورزیده است .

معامله‌گری با حق حاکمیت خلق

واکنش رهبران ج ۱۰ در برابر این تهدید تجاوزکارانه، بیانگر آنست که حاکمیت سر آن دارد که تلاشهای ارتجاعی خویش در جهت

ادامه معاملات سیاسی با امپریالیسم آمریکا را ادامه دهد . لازم است اشاره شود که پیش از

این محافل دولتی آمریکا اعلام کرده‌اند که در دولت آمریکا، در رابطه با جنگ ایران و عراق

دو جناح وجود دارد، یک جناح خواهان پشتیبانی از ایران، و جناح دیگر خواهان پشتیبانی از عراق است . گویا در هفته‌های اخیر

جناح متعادل به عراق تفریق پیدا کرده است و در نتیجه در سیاست دولت آمریکا چرخشی در جهت حمایت از حکومت عراق ایجاد شده است (واشنگتن پست ۱ ژانویه ۸۴) .

سران ج ۱۰ که طی ماه‌های اخیر بارها وبه اشکال گوناگون (" راه توده " - شماره ۷۶) خواستار پشتیبانی آمریکا و فروش سلاح‌های استراتژیک امپریالیستی به ج ۱۰ شده‌اند، در

پاسخگویی به تهدید نظامی آمریکا، تعادل خویش به جلب حسن نظر جناح مدافع خویش در دولت آمریکا را از قلم نینداختند :

رئیس‌جمهور خامنه‌ای، که می‌توان او را یکی از بانیان و طراحان اصلی سیاست تسلیم در برابر امپریالیسم دانست، می‌گوید:

" اگر سیاست‌سازان آمریکایی ۳۰۰۰ دلار و سوسه ماجراجویی در این منطقه بشوند، ما آن را بدون پاسخ نخواهیم گذاشت، و مسلماً آن

جناحی شکست خواهد خورد که تا به حال ضربات متوالی از اسلام و انقلاب اسلامی را خورده است . ۳۰۰۰ مادامیکه دشمنان انقلاب

اسلامی می‌خواهند با زور (؟ !) یک انقلاب و ملت را خاضع کنند، ما ایستادیم " (رادیو ایران - ۳ بهمن ۶۲) .

تسلیم طلبی و معامله‌گری از برای این اظهارات به ظاهر پر خاشگرانه به صراحت تمام رخ می‌نماید:

۱- آقای خامنه‌ای هیچ اعتراضی به حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در مرزهای دریایی میهن ما ندارد . این امر به معنای به رسمیت

شناختن " حق " امپریالیسم آمریکا در زیر پا گذاردن حق حاکمیت ملی مردم ایران است ، و امتیاز عده‌ای است که پیشکش تجاوزگران جهانی می‌شود .

۲- آقای خامنه‌ای تعادل خود را به جلب پشتیبانی و تقویت " جناح مدافع ج ۱۰ در دولت آمریکا " پنهان نمی‌کند . مخاطب آقای

خامنه‌ای، نه امپریالیسم آمریکا، بلکه " جناح مدافع عراق " در دولت آمریکاست . این زبان‌دانان

و معامله‌گران است نه زبان انقلابیون .

۳- آقای خامنه‌ای به امپریالیسم آمریکا توصیه می‌کند که از اعمال " زور " خودداری کند، و به همان سیاست مسخ اکتفا کند . مادامکه زور ادامه

دارد، رهبران ج ۱۰ ناگزیر از " ایستادگی " خواهند بود، اما اگر نرمش و همراهی امپریالیسم

آمریکا متوجه ج ۱۰ شود، ایشان دیگر در مقابل آمریکا نخواهند ایستاد، بلکه کماکان زانو خواهند

زد .

در سخنان رئیس مجلس در این باره نیز، کمترین اعتراضی به حضور نظامی امپریالیسم در خلیج فارس و دهانه تنگ هرمز وجود ندارد و مضمونی مشابه سخنان رئیس‌جمهور تکرار می‌شود . این نرمش سیاسی نیز در دنباله سخنرانی‌های اخیر هاشمی رفسنجانی در مداحی سلاح‌های استراتژیک آمریکایی و انگلیسی، و وجوب تهیه

آن‌ها برای ج ۱۰، معنای سیاسی جز آنچه گذشت ندارد .

معامله‌کاری سیاسی رهبران ج ۱۰ با امپریالیسم آمریکا، در شرایط ته‌لجم همه‌جانبه امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی در خاور میانه و خلیج فارس، و در شرایطی که مرزهای آبی میهن ما جولانگاه رزمناوها و نیروهای تجاوزگر آمریکایی

است که استقلال و آزادی مردم ما را با گستاخی خیره سرانه زیر پا می‌گذارند، بیانگر

آنست که حاکمیت ج ۱۰ بیش از پیش خواست و توان دفاع از منافع ملی مردم ما را از دست می‌دهد .

در مقابل این سیاست مزورانه و تسلیم - طلبانه، سیاست روشن و پیگیر ضد امپریالیستی

نیروهای انقلابی پیگیر و میهن دوست و در رأس آن حزب ما قرار دارد. اگر امروز، فردا و یا هر روز دیگری تجاوزگران امپریالیستی که پسا به خاک میهن ما بگذارند، همه نیروهای راستین

انقلابی و پیشاپیش همه رزمندگان حزب توده انقلابی را در برابر خود خواهند دید که مانند همیشه همه زحمتکشان را به اتحاد در مقابله با

امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی همه خلق‌های ایران و جهان فرا می‌خوانند . این وظیفه انقلابی

است، و ما آموخته‌ایم که در دشوارترین شرایط ممکن نیز به اجرای وظایف انقلابی خویش

بپردازیم .

ما شك نداریم که در چنین رزمی، مردم میهن ما، مانند همیشه از همبستگی و پشتیبانی همه نیروهای صلح دوست و ضد امپریالیست و پیشاپیش

همه، اتحاد شوروی، همسایه بزرگ و نیرومند شمالی ما چنانکه در تفسیر یاد شده رادیو مسکو

گفته شده است، برخوردار خواهند بود .

تصحیح و پوزش

در شماره ۷۷ " راه توده " مقاله " رفسنجانی : " سلاحهای آمریکایی و انگلیسی از نان شب برای ما واجب تر است " جمله " . . .

نزدیک به ۱۱ میلیارد دلار از ۲۰ میلیارد دلار

بهای سلاحهای آمریکایی ۳۰۰۰ پرداخته‌ایم " صحیح است و نه " . . . نزدیک به ۱ میلیارد دلار . . . " .

مرکز بر امپریالیسم جهان خوار آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

انتخابات وزحمتکشان

۱ از صفحه

مجلسی فرمانبردار توکم و سرور صدابتر و رد سرتر می‌خواهند. تلاش آنان، پسر برای ت و پیرداخت چنین مجلسی تا آنجا پیش است که نمایندگان جناح دیگر حاکمیت در اش گفتند:

"اسلام معنایش این نیست که ما نمایندگان بریم بگذاریم مجلس با هر فسق و فجوری که بود... این خطر برای مجلس و حکومت و ب است... مسأله انتخابات این نیست که بردارند و بتراشند و ببرند تو مجلس... بیت‌الله جنتی- نماز جمعه قم - ج ۱۲۰۱۰ آذر ۰"

قم، سازمان روحانیت مبارز تهران اکثریت دارند. نمی‌توان برای کوشش جناح مخالف که از طریق سازمان‌های کم نفوذتری چون "شورای مرکزی ائمه جمعه" و "سازمان تبلیغات اسلامی" تلاش دارند برای نامزدهایی که به سازمان‌های "موتلفه" وابسته نیستند نیز جایی باز کنند، دورنمای قابل شد. اهرم‌های اساسی تشکیلاتی و سازمانی انتخابات در اختیار ائتلاف نیروهای ارتجاعی است، به ویژه که آیت‌الله خمینی نیز با این فرمان مهم به بازاریان بزرگ:

"شما بازار را پیدار کنید تا در تهران و سایر جاها اشخاص خوبی را به مجلس بیاورند تا مجلس آینده ما از مجلس فعلی بهتر باشد" (کیهان ۱۳ دی ۶۲)

هم‌وزنه سیاسی و تشکیلاتی را به سود سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ سنگین‌تر کرده است و هم بر تلاش‌های آنان برای تخمیر قطعی تناسب نیروها در حاکمیت به سود ارتجاع از طریق تصفیه مجلس، صحنه گذارده است.

به دنبال این سخنرانی "جامعه انجمن‌های اسلامی بازار و اصناف تهران" طبعی اعلامیه‌ای "وفاداری و آمادگی خود را در رابطه با همکاری و همکاری با مدرسین محترم حوزه علمیه قم و روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی" اعلام کرده است. (اطلاعات ۲۰ دی ۶۲)

بدون شک چنین انتخاباتی برای زحمتکشان ایران سودی به بار نخواهد آورد. انقلابیون راستین وظیفه دارند با افشای این حقیقت در پیشگاه مردم، به تکامل آگاهی آنان یاری رسانند. بی‌شک تجربه عینی توده‌ها نیز موید این افشاگری‌ها خواهد بود.



حولات طبقاتی در جامعه...

۹ از صفحه

۲۵ هزار تومان را با نرخ بهره نازل ۴/۵٪ در اختیار آنان می‌گذارد. در حالی زمین‌داران متوسط و کوچک، اغلب وام‌های کمتر از ۲۵۰ هزار تومان از بانک اوان کشاورزی، آن هم با گروگزاردن وثیقه‌ای به بهای ۴ برابر، و نسیخ ۱۴٪ یافت می‌کردند. عدم افزایش بهای محصولات کشاورزی نیز یکی از دلایل نایابی آنان از رژیم شاه بود. از این رو این بخش از بورژوازی - ملاک‌های ایران همراه با بورژوازی ملی کم و پیش‌یا انقلاب همراهی کردند.

با اوجگیری جنبش دهقانی پس از انقلاب، زمین‌داران متوسط و کوچک و سوده دهقانان ثروتمند که منافع خویش را نیز در خطر می‌دیدند، به اردوی سازش و ح انقلاب پیوستند. آنان که از دیرباز با روحانیون مرتجع و سازشکار پیوندهای صادی و سیاسی و مذهبی داشتند، به کمک آنان فشار سنگینی در جهت اصلاحات ارضی و محدود کردن آن در چهار چوب حفظ منافع خویش به عمل دند. بورژوازی تجاری نیز متحد طبیعی آنان در این تلاش‌های ضد انقلابی با همکاری مشترک این نیروها نظام بزرگ مالکی ایران از نابودی نجات پیدا و اینک به تحکیم دوباره پایه‌های اقتصادی و حقوقی و سیاسی خویش پرداخته است.

از مناهای صنفی و سیاسی دهقانان

با اوجگیری جنبش دهقانی، شبکه گسترده و شوره‌های دهقانی در اغلب نقاط رور به وجود آمد. این شوره‌ها با همکاری و پشتیبانی همه نیروهای انقلابی و پان هیأت‌های هفت نفره تقسیم زمین و جهاد سازندگی، نقش مهمی در تشکیل دهقانان و اقدامات عملی در راه صادره و تقسیم زمین و عمران روستاها به عهده دند. در برخی از نقاط از جمله ترکمن صحرا و کردستان و آذربایجان غریبی از سازمان یافته دهقانان به اقدامات ریشم‌های در راه صادره زمین‌های زمین‌ران بزرگ و تقسیم آن میان دهقانان انجامید.

با توقف بازگشت انقلاب، شوره‌های دهقانی کم و بیش به صورت نهاد‌های هل نیه دولتی درآمد. در بسیاری نقاط خود به خود منحل شده. از نظر

سیاسی دهقانان ایران حزب و سازمان خاصی که نمایندند و مستقیم آنان باشند نداشتند. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منافع زحمتکش‌ترین دهقانان را نمایندگی می‌کردند، و سازمان مجاهدین خلق ایران و روحانیون و سیاست‌دارانی که جناح مدافع "عدالت اسلامی" حاکمیت را تشکیل می‌دادند، در جریان گسترش و ژرفش انقلاب، سخنگوی منافع آنان بودند. در بررسی نقش سازمان‌های سیاسی وابسته به اقلیت‌ها، نقش این نیروها بررسی خواهد شد.

مقاومت دهقانان در برابر بازگشت انقلاب

به دنبال فرمان هشت‌ماد می، زمین‌داران بزرگ تحرك گسترده‌ای برای پس‌گرفتن املاک خویش از خود نشان دادند. مقاومت دهقانان در برابر بازگشت فئودالها به آشوب‌های گسترده در روستاها انجامید. به اعتراف شورای عالی قضایی:

"مالکین فراری و مخفی برگشته و با زارمین درگیر شدند. احکام حکام شرع مبنی بر خلع ید از دهقانان موجب اخلاص در امر کشاورزی شده و گرفتاری‌ها و ناراحتی‌های زیادی را به دنبال داشته است. (اطلاعات ۳۱ خرداد ۶۲)

شورای عالی قضایی، به این دلایل، از آن پس رسیدگی به احکام مربوط به زمین را در دادگاه‌ها متوقف کرد. با وجود این بسیاری از فئودالها املاک خود را در این فاصله بازپس گرفتند. و مقاومت دهقانان که به اعمال قهر و خشونت از سوی دو طرف می‌انجامد، به گرفتاری هر روزه حاکمیت ج ۱۰ تبدیل شده است. دهقانان در خراسان، فارس، زنجان، گرسار، گروه‌گروه به خاطر این مقاومت انقلابی به زندان افتادند. بحران ریشه دار اقتصاد کشاورزی و مهاجرت گروهی دهقانان بی‌چیز به شهرها، حاصل متوقف ماندن حل مسأله ارضی است.

ارتجاع ایران برای مخدود کردن دستاورد های انقلاب در حل مسأله ارضی، در چهار چوب منافع زمین‌داران و سرمایه‌داران، ناگزیر از اعمال فشار بیشتر و آشکار تر نسبت به توده دهقانان است. بدون شک مقاومت دهقانان انقلابی ایران که در فراز و نشیب انقلاب به تجربه عینی به منافع طبقاتی و نیروی متحد خویش پی برد، مانده در برابر فشارهای ارتجاع، به برآمد های نوینی در جنبش انقلابی دهقانی خواهد انجامید.



● اوضاع جهان در پی استقرار موشک های میانبرد آمریکائی در اروپای غربی و اقدامات تجاوزکارانه آمریکا در چهار گوشه جهان بسیار متشنج گشته است .

یوری آندریف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی در باره این اوضاع به روشنی اظهار داشت :

" اوضاع بسیار حاد، وخیم و خطرناک است . کم ارزش دادن به این امر جایز نیست . رهبران آمریکا که عالما و عامدا اوضاع کنونی جهان را به شکل تحریف شده جلوه گر می سازند تلاش می کنند تا نگرانی ملت ها را به مناسبت سیاست نظامی گرایانه واشنگتن که روز به روز بیشتر می شود از بین ببرند و موج فزاینده مقابله با این سیاست را فرو بنشانند ."

رفیق یوری آندریف این حقیقت را در ارای اهمیت فراوان نامید که تمام جهانیان دم به دم پیش از پیش به خطری که صلح جهانی را تهدید می کند پی می برنند منشاء آنرا تشخیص می دهند . رفیق یوری آندریف افزود :

" مبارزه میلیونها نفر در راه صلح نیز واقعیت عینی روزهای کنونی است . مخالفت مردم جهان با سیاست جنگ افروزانه و توسعه طلبانه آمریکا در کشورهای سرمایه داری غرب آنچنان گسترش یافته است که برخی محافل حاکمه این کشورها را به موضع گیری ، هر چند محدود در برابر سیاست های دیوانه وار رهبران آمریکا وادار ساخته است . کیناک ، رهبر حزب کارگر بریتانیا ، در اظهارات اخیر خود در رابطه با سیاست واشنگتن گفت :

" اگر دولت آمریکا نشان دهد که به حل مشکلات علاقمند است از تازدی بیشتر می توان جلوگیری کرد " (گاردین ۲۵ ژانویه ۱۹۸۴) .

سی - ای - ای

سازمان دهنده موج تروریسم در ترکیه طی سالهای ۸۰-۱۹۷۹

در آنکارا غالباً برای توجیه کودتای نظامی سپتامبر ۱۹۸۰ گفته می شد کودتا لاقابل این خدمت را کرده که نقطه پایانی بر موج تروریسم گروههای راست گرا گذاشت که تنها طی مدت دو سال ۵۲۴۱ نفر را به قتل رساندند . اما برای آگاهان به سیاست امپریالیسم آمریکا ، پایان گرفتن موج تروریسم در ترکیه غیر منتظره

نبود . هدف سازمان دهندگان تروریسم در ترکیه آن بود که زمینه را برای پایان دادن به نظام پارلمانی فراهم کنند . و وقتی پس از انجام کودتا به هدف خود دست یافتند " الهام دهندگان " تروریسم که سی - ای - ای ، پیشاپیش آنان قرار داشت دیگر نجسی در ادامه آن نداشتند . البته فروکش موج تروریسم موجب آن نشد که از فعالیت پلیس کاسته شود . برعکس ، به طوری که نشریه فرانسوی " لوموند دیپلوماتیک " می نویسد ، پلیس ترکیه دامنه فعالیت خود را از چهار - چوب مبارزه با تروریسم بسیار گسترده تر کرد و آن را علیه آن نیروهائی متمرکز ساخت که هیچ وجه مشترکی با تروریسم نداشتند . از جمله حزب کمونیست ترکیه که از شصت سال پیش مجبور به فعالیت غیر علنی است و اتحادیه کارگران ترکیه " دیسک " مورد هجوم وحشیانه پلیس قرار گرفتند .

دوازدهمین کنگره حزب کمونیست سری لانکا

در کلمبو پایتخت سریلانکا دوازدهمین کنگره حزب کمونیست این کشور گشایش یافت . رفیق سیلوا دبیر کل کمیته مرکزی طی گزارش به کنگره سیاست خصمانه دولت ریگان را علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی محکوم کرد . او گفت مستقر کردن موشک های اتئی آمریکا در اروپای غربی خطر بزرگی برای صلح جهانی است . سخنران طی گزارش خود به حضور نظامی روز افزون امپریالیسم آمریکا در اقیانوس هند نیز اشاره کرد و تلاش های آمریکا برای کشاندن سریلانکا را در جرگه کشورهای زیر نفوذ و پایگاه نظامی خود در منطقه برای امنیت کشور بسیار مخاطره آمیز توصیف نمود . تشکیل دوازدهمین کنگره حزب کمونیست سریلانکا موفقیت بزرگی برای زحمتکشان این کشور است . به طوری که چندی پیش به دنبال حوادث ناگواری که در آنجا اتفاق افتاد ، ارتجاع سریلانکا از فرصت استفاده کرد و حزب کمونیست را غیر قانونی اعلام نمود . ولی به دنبال اعتراضات شدید از داخل و خارج مجبور به تجدید نظر در این تصمیم غیرعادلانه گردید . کمیته مرکزی حزب توده ایران طی پیامی برگزاری دوازدهمین کنگره حزب کمونیست سریلانکا را به حزب برادر این کشور شاد باش گفته و برای زحمتکشان آنجا آرزوی پیروزی در مبارزه علیه ارتجاع و توطئه های امپریالیسم کرده است .

آی مردم! نامه مردم

بقیه از صفحه ۷
دو مشتانه ارتجاع و ضد انقلاب قرار گرفته ، هر بار شکوفا تر و بالنده تر از پیش در حیطه سیاسی - اجتماعی سرزمین ما حضور یافت حتی فراتر از آن ، راهگشای نیروهای مدافع سعادت راستین بشری شد . و چنین است نیروی نهفته این آشنای دیر یاب ، درون آن را به شعله می کشد . انعکاس این شعله در ندای پیک نامه " مردم " می توان باز خواند با همه دشنامها و خراشها و ریشخندها ، بر می آورد :

لیک من پیک شما خدمت گزاران مود به بخش روزهای باز به زمین روزگاران تا که نیرو و نفس دارم به جان نامه ها را می رسانم .

جان گرفته از رفیق نورسیده ، شعله ایمان گرفته می دوم در هر خیابان کوچه و پس کوچه های تنگ سردرگم بانگ بر می دارم از شادی آی مردم ! نامه " مردم " .

کمک مالی به حزب توده ایران ، یک وظیفه انقلابی است

رفقای هوادار حزب توده ایران فرانکفورت (آلمان فدرال) هزینه چاپ این شماره "راه توده" تأمین کردند

● رفقای فرانکفورت برای سومین بار هزینه چاپ یک شماره "راه توده" را تأمین کردند

THE TUDEH
No. 78
day, 3 Feb. 84
Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90
England 30 P.
Belgium 22 Fr.
Italy 600 L.
Fr. U.S.A. 50 Cts.
Sch. Sweden 3 Skr.